پیکار خلق

(۲۶)

نیمه اول آبان ۵۸

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

دولت ارتجاعی بورژوازی در سراشیب ورشکستگی

امروز که میگذرد ، هرچه اکثریت مردم کوچه و بازار و امکان اظهار نظر بدست میگیرند ، عمق تضمینی که مجمع روحانیت اشراف منش که مزورانه نام "شورای انقلاب" را بر خود بدک میکشد ، اتخاذ میکند و با هر قیمتی که انجام میدهد ، بگذد و بیشتر قدرت حکومتی را در بین مردم سقوط میدهد . عدم قبولیت هر همی و هم سردمداران دولتی هر روز بیشتر خود را در خلأ افراد و جدائی از توده مردم می بینند . در این حرکت است که آمریش افراد و مکرات و منزی که با سادگی هنوز اعتباری برای دستگاههای قدرت قضائی هستند تصفیه شده و در مقابل آن قرار میگیرند .

خدمات های ضعفای که بعد از قیام تخریب یافته بنظر میرسید ، دوباره از عمق بسطح آمدید بود و در تمام زمینه عادر حال هجوم گیری است . نارضایتی مردم در تمام زمینه‌ها رشد کرده و جوششی بین در بین مردم در رحال شکل گرفتن است . مردم با تمام کارا محاصر خودکان و قانون اساسی آن را در همه جا به باد ریشخند میگیرند . منگو که ارتجاعی ترین جناح حاکم در حمله به کردستان بر آمده ، روی پای خودش افتاد . قدرتمندان هر همی که بقدرت خود مغرور شده بودند و سران فاشیست ارتش که خود را سرکوب کنند ، امروز باشکست متحمله‌ای روبرو شده اند . هرچه آنها بیشتر اعمال وحشیانه خود افزودند ، بیشتر بقدرت بورژوائی خود پی بردند و همچنین بیشتر ماهیت ارتجاعی عیشان برای مردم روشن گردید . یک روز گفتند پالیزبان و اویسی است ، روز دیگر ماجراساز فریاد زدند که عوامل امپریالیسم و صهیونیسم در کردستان شورش بپا کرده اند و دست آخر هم مانند امام و نماینده دولت و عشیت تحسن نیز "توانه" کردستان کرد ند تا با همان کسانی که آنها را "فاسد و خائن" خوانده بودند وارد مذاکره شوند . مهدی بهادران با نامه رسمی از خانه آیت الله منتظری به نمایندگی از دفتر امام و زیبا کلام و فروهر به نمایندگی از طرف دولت بگرد سنان رفتند و سپس در صدد تشکیل هیأت سه نفره "از طرف دولت به کردستان برای مذاکره برآمدند . کسانی که عزالدین حسینی را بجرم دفاع از خلق کرد قاسد و خائن" خوانده بودند و ریختن خون او را حلال دانستند ، کسانی که یکی از معیارهای خلحالی حاکم بیدادگاه شرعی ان برای محاکمه" مبارزین کرد

شرحی در مورد اوضاع قهرمانشهر

بد نیال سرکوب ناجوانمردانه" خلق کرد ، موج یورش وحمله وبگیروبند انقلابیون و افراد مترقی در قهرمانشهر تروروخفقانی بی سابقه که فقط یاد آور دوران سیاه رژیم پهلوی بود ، حاکم گردیده است .

مردم بآهستگی و در کوشی با بگد یگر حرف می زنند وهشت اربگد یگر روزنامه شان نشده است . در اتوبوس ، در محله ، در خیابان ، در کارخانه ، در اداره ، در تنها سینمای شهر و بالاخره در همه جا مردم بهواظب کار و سخنی خود هستند . افراد مترقی و انقلابیون ، که فضای سیاسی خود نشان را اگر اندکی احته بسود ، در یک روز شهر هاگرد به داد . درد گان سیزی فروشی زنی از گرانی می گفت . عده ای بد هانش جنجه وحته و مردی با آب وتاب از ماجرای "مرد بگرد ستان تعریف می کرد . "گرد هافیزی اند ، تا به خواستشان نرسند ول کن نیستند ، تو نمیدانی ازی هم حریف ند ارند ، سر سوزن را از هم زور می زنند " .

و دانستم ان ضد خلق همه جان تسمه های بد یگانه روی ارابه گرد" خلق فرومی کشند . موج اعتراض مردم بارادم ام وتعقیب و د ستگیری مبارزین بصورت امر تیره ای در کرد" "روان خلق مجسم می کرد .

اعتراضات راه خود را می یابند " این بد یکر جنبه انقلابی بود " ، " دعوه" بد یگره " ، " نگذار د یرستانها باز شود " .

دولت شروع بکار می کند . تشلیغات پشت سر تشلیغات . روزنه های سخنگویان رژیم پناه ایستادار گلوی خبای گرفته" بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی عامه بسر پیچند تا ایران زمین را مورد حمله" تشلیغاتی خود قرار می دهد . اعتراض ، تحصن و بالاخره زمزمه" برگزاری مجلس یاد بود معلم تپه د گرمی بیانی از طریق تلویزیون خلق میرود که بافشای ماهیت ضد خلقی دولت موفق بیانجامد . روز پنجشنبه صبح پنجم مهرماه به تظاهرات دانش آموزان وحشیانه حمله شد و کاربه یرتاب گاز اشک دفاع آنها از عزالدین حسینی مورد بحر حرا قوای قهرمانشهر" دولتیان وارد مذاکره با او نشد ه است . آیا اینها نشانه" شکست مفتضحانه" آنها در کردستان نیست ؟ آیا اینها نشانه" حقانیت خلق کرد نیست ؟

دیگر آن تبختها و پرخاشجوئیهای که در اوائل حمله به کردستان از طرف رادیو تلویزیون خمینی میشد ، کمتر بگوش میرسد . کسانی که تا دیروز علیه خلق کرد فتوای جهاد میدادند ، باسم فرماند" کل قوا ستور حمله صادر میکردند و همچنین ارتشی و دولتی که ادعا میکردند شهرهای کردستان را یکی پس از دیگری تسخیر کرده و نیروهر پیشمه رگ را در آنجا آرام گوستان برقرار خواهند کرد ، امروز تنها پس از دو ماه متفقه که حتی ارتش و پاسد اراتش در قلب مهآباد هم بپد د فیه راحت نه دارند و لحن سخنانشان دیگر عوض شده است . اینک حرف از راه حل " سیاسی " میزنند و حرف از مذاکره در میان است . اینها همه نشانه" آنست که دولت در بحران شد ید ی فرو رفته است . اینها همه نشانه" رشد و

بقیه در صفحه" ۳

درد دل یک کارگر

ماهیانست کهار رستوران نگاه بصورت روزمزد کار میکنیم تعد ای از ما نزدیک به ده سال است که در بد ترین شرایط در ایجا زحمت میکشیم . ناروزی ، ۱۰ یا ۱۲ تومان باید شکم زن وفرزند انمان را سیر کنیم . در گذار ما گفتند که ماستونا میخواهد ۵ روز در اسبوع کار کنیم ، بعد از ۷ روز گفتند باید بروسوپا نشا ستاد ما ، ای بد یگر در انشا ستاد ما خود مان بیاوریم . ما هم خواستیم کار کنیم ، ناچار بود یم برای امرار معاش کار کنیم . برای ادامه" کار ناچار بود یم هر ۷ روز یک شنا ستاد ما خود بد تحویل بد هیم ــ شنا ستاد ما برادر ، بد رفرزند ، خویشان و دوستان ــ اند احد استیم گجر باید هر ۷ روز یک شنا ستاد ما" بگیریم و به د آنهید یم که اگر نشنا ستاد ما" بگیریم و ما کار نکنیم آنوقت کارفرما تهدید اتی نسبت بما خواهد د اشت و حتی شرکت محاهد اراز برابر این تهدید ات شانه خالی کند یا ما مثل برد ه رفتار نشود . زمان شاه آمریکائی ها میدید استیم که اگر حرفی برسم اروزی حزب ران خواهیم افتاد . بعد از انکه مردم ما بران شاه بوطن فروش را از مملکت بیرون اند احتند ما متوجه حال بود یم که وضع ما بهتر خواهد شد . همه مسا صحبت از کارگر پرود ، وهمه از زحمتکشان حرف میزند . ما فکر میکرد یم که با آن دوران سپری شده باشد ، ولی ما فکر میکرد یم گذ ولت جد ید بگار ماست . بعد از مد ت جد ید بگار ماست ، حقوق فروزد ید ن ما هم از ابرا احت نکرد ند ، معلوم شد که سر سد اد جدید با بین افراد مسئول د ستگاه اختلاف نظر است . از مهینت ند ، حقوق ما را سد اد ند . مزد ا ند حقوق ما را سد اد ند . د ستمزدی به این وضع اعتراض کرد یم . بالاخره بعد از سه هفته اعتصاب اعتا دگی (بخاطر اینکه بی افراد ما مسئول د ستگاه را سش را توی یک کفش کرد ه بود ند) توانستیم مواجب خود را بگیریم . حقوق ما بد هند) توانستیم مواجب خود را بگیریم . آیا اینگونه کشا ستراست و احتیاجی بحقوق د ولت ند ارد حتی نمیتواند تصور کند کمک کار ما روزی ۵ تومان هم ارد ست نکرخود ، در ن وفرزند انش را سیر کند . آیا شما گفتار به برحقوق زیاد ی گفتید ــ هشت برابر حقوق ما ست میکرد . جسارت هم میکند و باد راه ند هاید ی رو خود شان رند می کشد و کرایه" خانه خود ، د هند و باحتی شاهپور اشان را هم راحت خود شان نمد هند . خطور نمیتواند تصمیم کند که ما ۵ تومان در روز زندگی بکند یا نه" .

در صفحات دیگر:

- حزب توده و سازمان انقلابی . . .
- عناصر فاسد در ماشین سازی . .
- مبارزه طبقاتی اجتناب ناپذیر . .
- یک سند افشا کننده
- رویدادها و اخبار کوتاه
- تعهد یا رهبری . . . .
- شوراهای رستاخیزی . . .
- مدنی کیست ؟
- چه کسانی دهقانان را . . . ؟
- سخنان خمینی ، دفاع از . . . . .
- مولوی مدافع امپریالیسم
- جلاد خلق رشوه میگیرد

یا با مارکسیسم علیه رویزیونیسم
یا با رویزیونیسم علیه مارکسیسم (۲)

رهنمای مد ائی در رساله" "روزنامه" کار شماره" ۳۲ و ۳۳ کشف محیر العقول دیگری کرده اند وبی نویسند : "امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از زمامدارهای سیاسی خلق کرد" و باز می نویسند : "باید بگویم روح فرصت طلبی و ریاکاری آن است که از مدارزات خلق کرد د فاع کنیم و آنگه مشخص کرد ه باشیم این حمایت از چه کسانی هستند و ما از چه کسی د فاع می کنیم" تمام این حملات ناظر به یک حکم است و آن اینکه هرکس بخواهد از خلق کرد د فاع کند باید از رحمت د مکرات کرد ستان و از افراد ی چون فاسلو و حمایتی د فاع کند و هرکس که مرز بند ی روشنی با مشی رهبری حزب نماید و برای زحمتکشان ما هیت مشی سیاسی و خواستهای سیاسی رهبری حزب را توضیح د هد بزعم ف د ائیان "با ارزشترین جناح هیأت حاکمه محسوب شده است" و با زعم بزعم ف د ائیان در زمان حمله و لشکرکشی به کرد ستان نباید با رژیم کاری بوجود آورد که رهبری حزب د مکرات را برای زنده ه های انقلابی کرد بازکوکرد . زیرا که گویا " هرتحلیلی که بهانه به دست نیروهای ارتجاعی واسته به بورژوازی وخرده بورژوازی داد و وسیله" محکومیت نهضت خلق کرد و یا رژیمهای سیاسی آن قرار گیرد ، چیزی جز هسوائی یا هیأت حاکمه نخواهد بود . " (گا ر شماره" ۳۲ ــ تأکید از ماست) و اقعا اشتباه ــ لالات عجیبی است . ۱ ــ د فاع از خلق کرد باید باد فاع از رژیم ارتشگاران همراه باشد . ۲ ــ تائید به حمله" ارتجاع مسلح علیه منی سازشگارانه شروع اعلام میشود . ۳ ــ مبارزه علیه سازشگاران

بقیه در صفحه" ۲

خلق را متحد کنیم امپریالیسم و عمالش را درهم کوبیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پایان مارکسیسم... و افتتاح دکان رحمان خلق! اسلحه بدست ارتجاع میدهد و وسیله محکوم کردن سازمانهای سیاسی خلق گرد میشود.

تمام این استدلالات مغشوش یکروزه غیرازدفع ارتعشی سازشکارانه نداشته و میان روشن نتوانسته خرده ـ بورژوائی بین پرولتاریا و بورژوازی نباشد. ماخصت مضمون خرده بورژوائی این استدلالات را طی شکافتن سپس به توضیح پیرامون مضمون رهبری حزب، مکررات و تحلیل سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بازآمدن پرداخته.

۱ـ دفاع از خلق کردیعنی دفاع از زحمتکشان خلق کرد

۱ـ دفاع از خلق کرد نه تنها مغشوش دفاع از رهبری حزب، مکررات نبود، بلکه دفاع از منافع زحمتکشان خلق کرد می باشد. تعیین از منافع زحمتکشان خلق کرد دفاع نبود بدون اینکه علیه سازشکاری لیبرالیسم بورژوائی مبارزه کرد، بدون آنکه توده ها را به منافع واقعی خود از نظر سیاسی آگاه نمود و از کشیده شدن آنها به دنبال لیبرالیسم بورژوائی، که بهر حال شکست بهمراه دارد به دنبال دارد، جلوگیری کرد. دفاع از زحمتکشان خلق کرد یعنی دفاع از آنان علیه سیاسی و آن سازمان سیاسی که واقعاً در رهبت رهائی زحمتکشان گرد از هر دیدگاه طبقاتی و ملی سیری کند. دفاع از زحمتکشان خلق کرد، معنیش به مفهوم مبارزه‌ای است علیه خطر مغرق کردن مشی سیاسی بورژوائی است که میخواهد منافع توده ها را با قشر الیها، منافع کارگران و زحمتکشان را با سرمایه داران سازگار سازش دهد و در نتیجه توده را زحمکشیده، مردم را همچنان در ذلل و زبونی نگهدارد. دفاع از زحمتکشان خلق کرد امروز رفرصه‌ا تمرد حاد طبقاتی پیوزه مضمون مشخصی بخود می گیرد. این دفاع یعنی دفاع از اتحاد به های و هائی که شکل تشکل توده ها، هائان بوده و رهبری حزب، مکررات همواره برعلیه آن عمل نموده است. پس با همین از توده ها، هائان یعنی اتحاد به آنان دفاع کرد و با از حزب، مکررات که در آن خراکاری نمود حمایت کرد؟ در اینجا مسئله سرسختانه روی داده و همکاری نیست. مسئله برسر دفاع از رهبری حزب، مکررات است. رهبری بود که از (اوائل سال ۴۰) ملاً متصلی با رزانی با وجود خیانتش بخلق کرد و آرمانهای آن، هنوز علاً در رأس بخشی از خلق کرد قرار داشت و امواج عربی و سیاسی میخواست مبارزات خلق کرد را به آنچه در دست امپریالیستها و مرتجعین تبدیل کند. آیا در آن زمان دفاع از مبارزات خلق کرد مفهوم دفاع از اردوگاه خائن ملاً مصطفی بارزانی بود؟ و همانند نمونه دیگر، مثل حزب‌ایران کنونی افعال نشان و غیره؟ منیوان آورد. نگاهی کوتاه به مبارزات مردم قبل از قیام بهمن ماه نیز بسیار آموزنده است. قبل از قیام بهمن ماه نیز بسیار آموزنده است. مردم بهمن ماه را به زیر رحم خود بگذارند. آیا دفاع از مبارزات انقلابی مردم بهمراه دفاع از رحمایت از بورژوازی لیبرال نبود؟ اینها همه درس تاریخ است که خلاف تئوری سازمانهای سازمان ج. ف. خ. را ثابت می کند. کشفیات رفقای فدائی مثلوار تولید و فکری خرده بورژوائی میباشد که بهر ترتیب میخواهد مواضع میانه خود را تئوریزه و توجیه نموده و چنین وانمود کند که از دو اتحاد ثابت است. **پیروزی مرامپرس یالیسم بدون شکست سازشکاری مقدور نیست**

۲ـ استدلال دیگر روزنامه "کار" این است که چون ارتجاع و حشیانه حمله کرده است نباید علیه مشی سازشکارانه "حزب، مکررات مبارزه نمود. اولاً برای برد ن آگاهی سیاسی بمیان توده ها و آگاه نمودن آنها به منافع واقعی خویش نمی بایست اساساً به واقعیات و زمینه و ملموس توجه نمود توده ها تشنه‌اند. ثانیاً در زمانی که سازشکاران توده ها بصورت عادی جریان دارد، سازشکاران از امکانات زیادی برای هوشیار و عوامفریبی برخوردار اند. با حداد شدن مبارزه در دقایق لحظات آزمایش قطعی و رحل نزد یکتر شود، در جنین لحظاتی است که سازشکاران و لیبرالها منافع واقعی خود را در مقابل مردم بگذارند، تلاگریم حسابی (یکی از هران حزب، مکررات و رئیس کمیته نظامی در رمهاباد) قبل از حمله ارتش رحزم میخواند که اگر حمله شود مهاباد را تا سه لینگراد دوم می کنیم. اما زمانیکه حمله آغاز شد خود این شخص برای مردم تسلیح میکرد که بیائید و اسلحه هایتان را به حزب، مکررات تحویل دهید.

در ست بهمین دلیل است که انقلابیون در زمان حاد شدن مبارزه، که سازشکاری و ماهیت واقعی لیبرالها بیش از همیشه خود نمائی می کند و ملموس می گردد، بهتر از هر زمان دیگر می توانند آگاهی توده ها را نسبت به ماهیت لیبرالها بالا برند. این است دلال روزنامه "کار"، که شدت به حمله ارتجاع افتاد، رهبری حزب، مکررات ممنوع اعلام می گردد، نه منطقی است و نه با واقعیات تطابق دارد. این استدلالات تنها نشان دهنده ترس خرده بورژوائی است که به نیروی خود باور ندارد و هاالتفات نداشته و در مقابل حمله، وحشیانه ارتجاع بهمرستوره ای جنگی اند ازد.

طرد سازشکاری اسلحه ایست در دست خلق

۳ـ آخرین استدلال روزنامه "کار" از همه حالسر است. مطابق با استدلال این روزنامه گویا اقشار سیاستها و ماهیت رهبری حزب، مکررات و برملا کردن خیانتهای افرادی مثل قاسلو و عبود اسلحه‌ای در دست ارتجاع برای محکوم کردن مبارزات خلق کرد میشود. براستی چه عواملی ممکن است موجب شکست جنبش خلق کرد شود؟ عقب‌ماندگی و عقاید ارتجاعی و سنتی حاکم بر توده‌ها، یا عوامفریبها و سوء استفاده‌های ارتجاع حاکم یا اینکه رفتن جنبش خلق کرد به زیر رهبری مشی لیبرالی حزب، مکررات؟

آیا جنبش انقلابی مردم ما ایران که پس از فاجعه‌بهمن ما... از سرکوب و اختناق به راه افتاد،

دولت ارتجاعی ...

آنست که دولت نه تنها نتوانست آتش مبارزات قهرمانانهٔ خلق کرد را خاموش کند، بلکه در ادامهٔ این مبارزات هر روز وسیعتر میشود و از دیگر سو نارضایتی عمومی بطور سرسام آوری بر میزند. قیمت اجناس مصرفی بطور سرسام آوری بالا میرود و گرانی دیگر برای مردم کمتجربان قهرمانانه مبارزه کرده اند به بیزندگی بهتر دست یابند، قابل تحمل نیست، مسئله مسکن کماکان لاینحل مانده است و موج بیکاری بخش وسیعی از مردم را به مبارزه کشانده است. بالاخره اعمال سرکوب گرانه‌ای که بحرانیان حکومتی از کمیته‌های امام و پاسداران گرفته تا نوای ارتشی و غیره نسبت به توده‌ها مردم روا میدارند، قدرت حکومت امم از دولت، قشریون ضد ملی و قوای اجرائی آنها در پیش بطلت ماهیت بورژوائی شان قادر بحل هیچکدام از این مشکلات اجتماعی نیستند و در مقابل رشد نارضائی مردم تنها میتوانند به قوای قهریه سرکوب بگر پناه ببرند و نتیجتاً هر روز در بحرانهای تازه‌تری فرومیروند. ناشی از رشد مبارزات مردم نضادهای درون قدرت حاکمه نیز هر روز شدیدتر میگردد و اینجا هر گدام از جناحهای قدرت طی میکنند لشکر کشی و کشتار خلق کرد را بگردن دیگری بیندازد. مثلاً مهدی بهار ان در گزارش خود میگوید: "زیرا قوای ما و مالکین که در رزم توده‌ها علیه ارتجاع شناه در منطقه‌ی ماندگ توسط افرادی تحت آقای دکتر چمران، نیمسار ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ هرسعک شهریاران و سایر فرماندهان ارتشی وزاند ارمری تامین میدهد" صباح زاده در برابر مردم مصطفی کسه سالیان زیاد در دست قشود الهارجز گنبد مانده تحت فشار قرار میگیرند. "... در سراسر کردستان و آذربایجان غربی یکی از عوامل جنگ و خونریزی وجود ملاتهای ساواکی یا ضعف و در کردی و قشود الهای صلح است که توسط ارتش و زاند ارمری مسلح شده اند."

بورژوازی لیبرال نیز میکوشد در امر تثبیت خود را ظاهراً از ماجرا بیرون بکشد و به اصطلاح نقش میانجی را بازی کند مثلاً دربرابر فرودهر دو را بر دیدار با شیخ عزالدین حسینی به کردستان سفر میکند و آقای یزدی کلام را در آن سفر هیأت "تحقیق" توصیه میکند. روحانیت اشراف منش با تسلط انحصاری خود بر مجلس خبرگان و تصویب تمام قوانین در راستای تحکیم سلطهٔ بلامنازع خود، و با جنگ اندازی به بهانه‌های هیأت دولت نیز موجب تشدید نضادهای درون قدرت سیاسی گردیده و این امر نیز به رشد نارضائی موجود دامن زده است. هرچه نضادهای درونی قدرت حاکمه شدیدتر میگردد، ماهیت واقعی آنها بیشتر برای توده مردم آشکار میگردد. امروز خلق هم تمام جناحهای حاکم برای خاموش نگهداشتن مردم و برای ادامه دادن بسلطهٔ ارتجاعی تحت عنوان وحدت امت و امام و اعالیم اوه‌گیری نارضائیتهای مردم هر روز وسعت بیشتری میگیرد. جناحهای مختلف قدرت حاکمه در مقابل این اوجگیری نارضائیتهای مردم که بصورت عرضه های متعددی از مبارزه متجلی می گردد، سیاستهای مختلفی در پیش گرفته اند.

جناح قشریون هر هبی تلاش دارد با وعده و وعید و تبلیغ سیاست عمومی و انتظار امرارزات مردم را تندید بخشیده و آتش خشم آنها را فرونشاند. این سیاست در مقابل شرائط سخت زندگی مردم و هر روز کارآئی خود را بیشتر از دست میدهد. این جناح هرآنچه که بیشتر در سیاستهای عوامفریبانه خود شکست میخورد، بهمان اندازه بیشتر به تعاملات فاشیستی و سرکوبگرانه پناه میبرد و بدین ترتیب نزدیکی و اتحادهای فاشیستی موجود در ارتش و در دستگاههای دولتی و با قشود الهها و مالکین قشرده تر میشود. جناح بورژوازی لیبرال که نتوانسته حاکمیت خود را در قدرت سیاسی اعمال نماید و هرروز در مقابل جناح انحصارطلبه هر هبی بیشتر بعقب رانده میشود، در اوضاع کنونی تلاش دارد که با استفاده از نارضایتی عمومی مردم و با اظهار مخالفت علنیه سیاستهای جناح انحصارطلبه هر هبی توده های مردم را بزیر پرچم خود بکشد. چنین است که سران حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان عمیقاً با سران "نهضت" طی و دیگر عناصری از بورژوازی لیبرال پشت سر هم حلسات وسیع برگزار مینمایند و سیاستهای قشریون هر هبی را مورد حمله و انتقاد قرار میدهند. آنها به قشریون هر هبی خبرگان حمله میکنند که تصویب ولایت فقیه بصورت "ولایت امر و امامت امت" نفی حاکمیت مردم است، که جناح حاکم هر هبی آزادی سیاسی را سلب کرده است، که آنها آماده اند در مسئلهٔ کردستان وساطت کنند و راه حل سیاسی بیابند. اما تمام "آزادیخواهی" آنها بخاطر اینست که از ضربت مردم برای تصفیه حسابها و رقابتهای درونی خود سود" استفاده کنند و مردم را بازیچه" قدرت طلبیهای خود قرار دهند. عضو "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" که خود را سادی "آزادیخواهی" میداند در آذربایجان یعنی آنجا که قدرت دارد، "آزادیخواهان واقعی" را شکار میکند، به کمیته ها میکشاند و حبس و شکنجه میکند. طرفداران همین حزب در آذربایجان تظاهرات و مبارزات حق طلبانه کارگران بیکار را مورد سرکوب فاشیستی قرار میدهند. همین حزب مسئله کردستان شده است تا دیروز تمدد آن زیادی یاسدار از تبریز روانه کردستان میشود و حلع سلاح شده و دوباره بتبریز پس فرستاده شده، نگرانی طرفداران همین حزب بخودند گدر هنگاری با قاصر طباطبائی (رئیس کمیته های تبریز) بسرکوب خلق کردستان هشنود و سرانجام که قلعه مالکین قیام کرد خود شد پرداختند؟ باید از رهبران این حزب پرسید شما که امروز لباس "آزادیخواهی" به تن کرده اید و مدافع "راه حل سیاسی" در کردستان شده اید چرا خاموش؟ "آزادیخواهی" خود را علیه ملا حسنی در ارومیه که هر روز عناوین آنها در آذربایجان غربی را سلح میکرد و میکشد، بلند نکرد؟ "آری آقایان این تظاهر شما به آزادیخواهی و دفاع از حاکمیت مردم" وسیله‌ای است برای فریب مردم نارانیی. بدانید که مردم دیگر از تجارب تلخ گذشته درگرفته و فریب ظاهر فریبنده" شما را نخواهند خورد.

آنچه امروز بوضوح مشاهده میشود اینستکه هردو جناح قدرت حاکمه در لبه پرتگاه یک بحران سیاسی اقتصادی قرار گرفته اند. هردو جناح میخواهند بطریقی با این بحران دست و پنجه نرم نمایند که موقعیت خود را در قدرت حاکمه تحکیم بخشند. هریک از جناحین برای رسیدن باین مقصود تلاش دارد که مبارزات انقلابی مردم را در جهت منافع خویش تغییر جهت داده و شکست دیگری را بر خلق تحمیل نمایند. امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن که بخوبی میدانند که خطر عمده برای آنها از جانب توده" مردم است و از سوی دیگر به تجربه دریافته اند که یک قدرت منسجم مرکزی در دراز مدت میتواند منافع غارتگرانه" آنها را تأمین نماید و سعی بر آن دارد که هردو جناح را در سرکوب خلق و نیروهای انقلابی یاری دهد و از اختلافات آنها برای بر روی کار آوردن یک قدرت مرکزی مستحکم و قلع و قمع نیروهای انقلابی استفاده کند.

چه کسانی ... بردن قدرت الهاوخانم

مبارزه می کنند ضد انقلاب میخوانند وازهواپیما و تانکهای آمریکائی برای سرکوبی مردم کرد ن شهرها و روستاهای آنان استفاده می کند. کریمی میگوید پنج نفر را انتخاب می کنم. نه آقا این انتخاب نیست. انتصاب از بالاست. وابنکار را زرنجهای ضد مردمی "ازخطخ هستند. "ایندهجمهوری اسلامی است نه کشورجمهوری. مگرا نیک! "آقای فرماندار اگر جنابعالی اینطور فکر میکنید کشورجمهوری مگرانیک چه کشوری است وچه فرقی با کشورجمهوری اسلامی دارد؟ وقتی در هفتاد ان انتخابات آزاد راه خواهند انداخت پس کی گویند "انتخابجمهوری اسلامی". پس حرف از انتخابات آزاد نزنید" پس معلوم میشود که جمهوری اسلامی با آزادی هیچ مخالفت دارد. وکسانی را که خواهان حق خود هستند بعنوان ضد انقلاب به بند می کشند. البته که آزادی وجود ندارد. امروز ارتجاعیان زمان بدنه تا از حرف و فقط در حرف بود که ازجمهوری اسلامی بعنوان کشور آزادی سخنهای شنید که خوشبختانه در حرف معترف شد که آزادی نیست. آزادی و حمایت کنان را در ایران و آزادی ارتجاعیان را در انقلاب طرفدار آزادی خمینی.

کریمی در ریو تمیگه کشاورزان بیلداربا چه سرو صدائی بعضی از آنها را غارت میکنند و اختلاط بهم میخورد ـ عاصی میشود و هقانان را وحشی مینامد!! نه دست میزند. وخشونگرخود نیز تا چه رتبه که جنگی در لاهیجان براه انداخته بود که بند سازوبرگ در آن زیاد بکار رفته بود تا در شهر سر بر علیه ما رزین وجوانان انقلابی که خفه بن سال سر علیه رژیم خونخوار پهلوی مبارزه کرده بودند، شعار بدهند وشهید بدهند. مانند جماعه ان شعبان بی مخ در سال ۳۲ ودیگران. وزارت ارشادی وختیار دهقانی که ازصحبت تاشب در مزارع برنج و باغها زحمت می کشند وتازه زیربار قرض بانکها وتزول خواران مستقل نمیتوانند کمتر زیر ارامیت کند، وحتی می باشد وآقای کریمی که مفت خور، وبه انشکاه رفته و حالا از وجود مبارزات همین زحمتکشان وشهید در آن آنها به چست ومعاوضه میدهد، "آقازاده ومتضررمی باشد؟ فرماند ارلا هیجان یکی ازعمال رژیم کنونی است وسیاست سنتهایش همین سیاستهائیست که دولت سرمایه دار وروحانیون اعمال می کنند. ماسروکارمان با دولت سرمایه دار وعضد خلقی است واین چنین افرادی در دست پرورده اشربی باشند. اینهاد رزیم پوشش خاطرنیافته

((پس متحد آقا رفتند" ومبارزه با این عمال رژیم سرمایه دار ان را نمیکنیم))

((هرچه متحدتر، یارا تحاد در هقانان وزحمتکشان با کارگران))

((هرچه فشرده تر، نزدیکتر بیوند انقلابیون با زحمتکشان شهر و روستا))

گروهی ازروستائیان وانقلابیون، شرکت کنندگان هفت اطراف

مدنی کیست؟

اخیراً صفرابراهیمی فرماند ار تیرت آزاد گان (دست میشان سابق) ازیست خود استعفاداد و علت استعفای خود را اعلام فرمود انقلابی تیمسار دریاد ارهند ای استاند ارخوزستان ترکرده است. تیمسار مدنی ی که اینقدر حرص وولع خاصی بی کوشند تا در رخدمت امپریالیستها ریاست جمهوری برسند، عامل اصلی در رکشتار خلق عرب خوزستان می باشد.

که اینک برای سرکوب خلق ترکمن صحرا نیز لشکرلیی به گیلان رفته است. مادیلاً عضویتهای اعلامیه‌ی استعفا، صفرابراهیمی، که خود بیانگر اطراف

● اکنون با توجه به دلایل زیر، استعفای خود را اعلام میکنم:

● به کار گرفتن اکثریت قاطع افراد ساواکی و مرتجع و فاسد به عنوان مشاور مسئول در استاندار ی خوزستان.

● عدم توزیع عادلانه و منطقی بودجه استان و ندادن اعتبار کافی جهت احیای روستاها و صرف بودجه‌های کلان در شهرستان‌های بزرگ استان.

● پرداخت میلیونها تومان بودجه بیت‌المال بدون دلیل و پرداخت حقوق کلان و امتیازات و استعفاء از آنها بعنوان کارد جوبهان.

● سیاست غلط استاندار ی در برخورد با مسائل منطقه موجب گشتار مردم خونین شهر و حوادث خونین آبن استان شد.

● دستگیری مردم بی‌گناه و انجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت‌نامبرده در استاندار ی خوزستان.

● سیاست غلط استاندار ی در برخورد با مسائل منطقه موجب گشتار مردم خونین شهر و حوادث خونین آبن استان شد.

● برخورد نظامی و مسلحانه گراه و غیر اسلامی با جوانان بیگناه در انجام امور عمرانی و کارهای انقلابی می‌شود.

● عدم همکاری استاندار ی با نهاد سازندگی و بخشداری انقلاب اسلامی در شهرستان.

● عدم انقلاب نامیدن هر مترقی و هر متقدی از طرف استاندار ی

امضاء ابراهیمی ـ فرماندار

پشت آذرگاهان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تعهد آریامهری....

کت حق طلبانه را" بی نظمی و تشنج " واشغال اماکن ورحیه" سازمانی راسیکه بکر" توطئه و تحریک " تلقیح نموده وسیکوشند هرگاهی راکه درراه حق خلاف مشاهده آنها وبنفع اکثریت زحمتکشان میبینند ایشان بطرق مختلف ایست دهند ، اکنون با شروع سال تحصیلی جدید ، مدیوحانه بوش مرتجعانه خود را متوجه " مدارس کرده اند . در این میان نیز هگام شروع باختوا ها وحدت بین بوش نیز هگام شروع باختوا ها وحدت بین بوش نیز هگام شروع باختوا ها وحدت بین بوش

یک سند رسوا کننده ...

اخیراً نامه ای از جانب زایرسان و عضات تحقیق سابق دادسرای انقلاب اسلامی طهران انتشار یافته است که آشکارا نقاب از چهره مهره های اصلی "دادگاههای انقلاب" و دادستانی طهران بر میدارد و نشان میدهد که این دستگاه حکومتی که بستر تاعرفق بحون صدها نفر از انقلابیون پاک باخته آفریده است، دستگاهی کمتنی و بوحوان ۱۲ ساله و ۱۶ ساله نیامهای آن رکنیست دارایی و سیدالله قمی را اعدام کردند و دستگاهی که شبانه در بی ستگر کومیتهها همچون مأمورین تفتیش عقاید گیسباهای قرون وسطی بجانهها میریختند و دستگاهی که صدارن دلیر بندر انزلی رابه گلوله میبستند، دستگاهی که آهسن تاهید یکی از انقلابیون کرد را در حالیکه مجروح بود ونمیتوانست بایستد در بازگن برروی رس اعدام کردند و هزاران نمونه دیگر مهرهای اصلی آن را بروه خواری جانیان وعمال اصلی رژیم فاشیستی و سرمایه داران را توجیه کرد را با گرفتن پول آزاد میکنند.

این نامه بوضوح نشان میدهد که بستر مهاه بر نیروهای انقلابی انگیزه عامل امپریالیسم و صهیونیسم میکوشند خودشان عاطین واقعی امپریالیسم را باگرفتن پول آزاد میکنند. در آخر هم روسای کار آگهها در جریان بیدا شدن دو نفر مسلح که قصد کشتن امام را داشتند و دستگیر شدن آنها اظهار میدارند که این دو نفر از طرف گروهی از افسران ارتش برای ترور امام آمده بودند و نمیتوانند بگویند که چه کسانی آنها را فرستاده اند.

طبق گفته رضا صدر وزیر دادگستری آقای آذری قمی از حمله کسانی است که با این دو عنصر کثیف سابق رابطه نزدیک داشته است.

همچنان: رسوائی رنبده خواری سران "دادگاهها" زمانی نر ملا میگردد که معاهد اسیر محمد رضا معدانی ماهها در زندان بسر میبرد. صدر هاشم از انقلابیون در بی بهداشتی کامل در زندان ۲ هاسیر میبرند. ملا در زیر فشجهائی از این نامه را درج میکنیم.

این کلیات مسائل بود. اما در رابطه با کارمان که بازپرسی در دادسرای انقلاب طهران و اعدام العدین بود و بحوی غیر اسلامی قضیه شدیم، قسا چندین عصر ستم از همان کیه انقلابی که خوب آرا درک کرده بود برهند. و میبینید کسه رهبرمه بارها بسخص بنده توری، ما در دادسرای انقلاب بان و توانی و پست و مقامی نداشتیم تا به خاطر ارزیست داشتن دیگران شده باشیم. از آنجا که فقط کاربر مسئولیت بود و آن هم شه به بوری، ما میخواستیم وارژن خط علنی و مشی اپوزیر در برخورد با وزارت معاویه باشیم و جلوی توصیه ها و قراردادهای بی مجز مایه بگیریم که بودیم و نوانداشتیم می - گرفتیم. درد ما این است که آقای آذری قمی ازسرکردادستان انقلاب ضد سرمایه داری اسلامی سرمایه داران متحوار را دعوت به برگشت و کار میکند وزمها در اسلام برای مالکیت حضروری نمیشناسد.

جوانان مسلمان ما بجهت مصالح عملی جمعه ساکت ماندند و تا عقیده ساکت نخواهند ماند که هنوز هم اسلام بدون از حضرن عوف برده دار و زرانبوز شکنه بدهد و اسلام بلال کفشدار شنیدار است خفه بمانند. جوانان شجاعه تحمل کردند که در بیدله خبر گان حضرات کلمه ای حدی: اکنو نسکی مانند و آذری از ماده ۵ وتوخی بعد از تصدب شدن آن مداوه حذن کردند. آنهم صریحاً به این دلیل که کلمه توحید مساوی صدمه بر بیکاری و مواخذ جامعه بی طبقه دارد.

مردم بعنوان پشتوجدان اجتماعی خوب تشخیص میدهند. بهمین جهت وقتی انقلابان اعدام میشود شاد میگردند و هنگامیکه خوش کیش و شیخ الاسلامزاده از جنگ اعدام فرار میکنند به اعتراض در میآیند و حتی بلاکارده در خیابان صف میبندند. مهم اینست که شخص اخیر زنای محصنه هم واثباتشده واعدامشده در حالیکه بهمین جرم دهها نفر آدم بی دم و شان و بی دل و مدل اعدام شده اند.

براستی چرا بعد از اعدامهای انقلابی، شورای انقلاب مارا تصفیه میکند. آیا رشوه گرفته بودیم؟ آیا دزدهایی مانند بنی صدر و چمران و یزدی و ... و جاسوسهایی مانند سپهبدحسرجدید ها و بابائی فحشا مستند خمینی شمس الملوک مصاحب و خادم جنایتهای را از زندان رهائی داده بودیم؟ آیا کار مداوم نمیکردیم که ما راتصفیه کردند؟ نمیخواستند آئینه گهر را برهانند؟ اینها آنها نیست. توزنده‌ی قبل و بعد از ما رابخوانید، بخوبی گوبیای کارنامه دادگاه انقلاب قبل و بعد ازماست. آخرین بادی که دکتر محمد بهشتی بهمه‌بندگی ازطرف شورای انقلاب برای تصفیه‌داده، سرای انقلاب از عناصری که خود سابقا طعم زندان را چشیده‌بودند و در کوران مبارزات بوده‌اند به دلیل اینکه دادستان انقلاب نباید دلسوزا آمدند بعد از جلسات متعددی که حرفهای ما بگوش وکثر بهشتی رفت بوقیکه آقای مسئول انتظامات زندان به آقای بهشتی گفت: ما ازکجا بدانیم این تصفیه توطئه‌ای نباشد برای فراری‌دادن آن‌دسته از جانیتکاران که کس و کاری دارند؟ اینک بهشتی بلافاصله با تبسم گفت چند ماه از تصفیه ما نتیجه کار را می‌بینیم و حرف آن مرادر به ذهنمان می‌آید که چه رک گفتم چه درست حدس زده بود.

موضع تصفیه‌ای آقای بهشتی گفتند شورای انقلاب تصمیم گرفته است که دادستران را تصفیه کند. برادران اعتراض کردند: تصفیه برای چه؟ منظور و یا کدام عمل شرعی و عرفی؟ جواب صریحا این بود که: این تصمیم شورای انقلاب است وهرکس مخالفت کند مخالف خط امام است.

آری برچسب مخالفت با امام بی‌دینی بود که به بعد از چهارماه مقاومت ومبارزه‌راه را برما می‌بست.

چه‌شد که بعد از اعدام های انقلابی القانیان صهیونیست وحزم خون‌آشام و فاسد که اشك صهیونیسم و امپریالیسم را جاری ساخت بازپرسان راتصفیه کردند؟ و همپالکی‌های القانیان یعنی صهیونیست‌های مانند پرویزنیکی والیبت وابنیالپور در زمان دادستانی آذری قمی آزاد شدند آیا داد و دیون صهیونیسم برای القانیان بهترین دلیل حقانیت‌بنگونه اعدامها نبود؟ چه شد که شیخ الاسلام زاده‌ها و خوشبختی‌ها که حداقل بطورفرین مستضعف نسل‌وحیث (تولیدات) وطن‌را به فساد کشیده‌بودند و از ائمه قطعی کفن‌پوشند اعدام نشدند و مشمول عفو گردیدند. اما افراد گمراه و بیچاره‌ای که اشتباهشان فساد اخلاق است اعدام شدند و حال آنکه اینان قرآنیان نظام اجتماعیی هستند که خوشبختی‌ها و شیخ الاسلام زاده‌ها ایجاد کرده‌اند. جز اینست که نتیجه عمل گروهای دشار بود که مسلیم و غیر مسلیم وبطور فعال برای نجات آنان کار میکردند تاجلوی اعدام‌ها را بگیرند؟ چه‌خوب شما در مصاحبه‌تان حق مطلب را ادا کردید که باید بافشلت‌ها مبارزه کرد نه بامعلول. آیا تصفیه ما جز به این‌جهت‌بود که وقتی نامه بآب وتابی می‌آمد که سپهبد قفن‌مدرس جانی و رئیس سلاح‌خانه دادرسی ارتش مومن است و متدین است واقا زاده است وعالم زاده است گوش‌نمی‌کردیم و فریب این اراجیف را نخیوردیم؟ آیا تصفیه‌ما جز از این‌رو بود که می‌خواستیم جلوی آزاد شدن منصور پاسینی دزد و خائن بحدا وحق را که هرکارگر شیشه‌بری او و دزدی‌هایش را میشناسد بگیریم و گویاحالا در خارج از کشور برعلیه انقلاب فعالیت میکند، یاابتکه وسایل آزادی سرهنگ عضدی قاجار بازپرسی کشتارگاه دادستانی ارتش فراهم‌شود.

ما علیه آزادکنندگان این جانیان و خائنین و توطئه کنندگان اعلام جرم میکنیم و از امام میخواهیم دستور دستگیری هادوی، آقای‌آذری قمی که دستور آزادی این جنایتکاران راامضاءنموده‌اند بدهند وهیئتی آگاه و متقی را فورا برای رسیدگی به پرونده‌های آزاد شدگان بفرستند و کلیه کسانی که دراین توطئه دست داشتند دستگیر شوند و دربیدادگاه علنی با حضور مادران‌شهدا وقرزندان بی‌پدر و تمام تشکیه دهندگان دوران‌پهلوی و کارگران استثمار شده و همه زحمتکشان محاکمه‌شوند و درمعرض قضاوت خلق مسلمان قرار گیرند.

آنها که امروز تصمیم گیرنده هستند باید بدانند که بی‌ما و امپریالیسم‌جهان خوار نشدن قسم خورده همه محرومین جهان فریادشی از هیچ حق تقنین‌خواهد برد و امریکا "وازسوی دیگری شرماله سکوید "سحب آزاد در کلاس درس مسوم است" کجایان پکشیده ۸ مهر ۵۸ تبدیل حمص

تعهد آریامهری ننگ دولت "انقلابی"

در طول سالهای خلقهای ایران در حدود سال اخیر بخصوص در رفاهیس ماه "مد ارس خود یکی ازستگر های مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه امپریالیسم بود. اعتصابات مد ارس را حاد طرسا و رویهاینکه جگونه اشن آموزان پرحم خونین مبارزه در آمد گرفته و در خیابان های همه‌ا نطلبه رژیم‌شاه و امپریالیسم فریاد می زدند رژیم‌شاه از این مبارزات نیروخوشت ند لرد است وی - کوشید با هزار ویك بند حوانبا زار دهد بظاهرخوس شاهنشاهی نگهدارد. بیاد داریم کوشش رژیم‌ها در راه

بسمه تعالی

اینجانب دانشآموز کلاس

بدینوسیله متعهد میشوم که در سال تحصیلی جاری کلیه مقررات دبیرستان را رعایت کرده موکوچکترین حرکتی برخلاف مصبر انقلاب سوء‌هیزی آن نکنم و همچنین در سر تیلیه‌ا تو تحریکات علیه سلام وجمهوری اسلامی ومسئولین امور نزنم و پیوسته در کلاس سرزنده بحث علمی از من سرزند کنم و محیط آموزشی ایجاد تشنج وبی نظامی نمایند و اولیا" او مورخ‌ن دارند بدون وقفه نسبت به اخراج اینجانبا اقدام نمایند.

تاریخ / /

نام و نام خانوادگی

اعضاء:

امروز میس از سرکوبی رژیم فاشیستی شاه و پیروزی کار خصوص در رفاهیس ماه، مد ارس خود یکی از ستگر کوشش در رحبت بد و برکیفیت اشن آموزان از مسائل سیاسی واراس طریق اعمال سیاستهای جاسانه بصورتهای مختلف مشغول میشود. آقای رحائی کفیل وزارت آموزش وپرورش از سوی فرماندار سابق "هیچ - کس حق تقتین‌خواهد درمد ارس را ندارد" و "از سوی دیگری شرماله سکوید "سحب آزاد در کلاس درس ممنوع است" کجایان پکشیده ۸ مهر ۵۸ تبدیل حمص

بقیه در صفحه ۴

ناموناخانوادگی

اعضاء:

هرچند تلاشی هم کمبس بود تا اشن آموزان عضو منشور وانبکه تا درجه اشعاب نشستند. حال این سئوال بیش می آید حکومت سیکارا چه رأی برای نسبت قدرت خود همس اشن آموزان قدرت تشخیص دارند و برای صند وقها و رأی گذاشته "منشور ولی حق وحدت و سال بدارند؟ هم رسد اس حاکم کیا فراموش کرده اند که حکومتها را برای انقلابی و اشن آموزان برای بهره‌برداری حود استفاده کرده اند. حالکها جد بد که هرحو -

بقیه در صفحه ۴

مجرمین را میبوسید و از شاکیان دعوت میکند شکایات خود را ارائه نمایند و در میان اسامی نام حسینعلی بیهزاد کارمند اداره موم سالوات و رهبر عملیات‌بمض ۲۱ چشم میخورد، در همان روز نامه در هرهمان روز زیر نام همان افراد نام ۲۱ نفر را نوشته است که آزادشده‌اند و باز نام حسینعلی بیهزاد که دراینست فوق ناشی بود در لیست آزاد شده‌ها هم وجود دارد.

تصمیم گیرندگان از بالابه- پائین ما راکنار گذاشتند. مشکل ما اینست که با کنار گذاشتن ما نه تنها کاردوامدار بهتر نشد بلکه باعث‌رهیدن جانیان و خائنین شد، بنحوی که بعد از تصفیه ما، جانیان زندان چشن گرفتند، زیرا تا ما بودیم کسی جرئت توصیه نداشت واگر توصیه‌ای بود مخفی و درسطح بالا توسط آقای هادوی توصیه‌ها پذیرفته میشد و وقتی مجرمین آزاد میشدند ما می‌فهمیدیم که دیمانتوجه آن‌دپرونده‌ها موجود است که با امضای آقای هادوی مجرمین آزاد شده‌اند و لازم است که هیئتی به این پرونده‌ها رسیدگی کند وخلق ستمکشیده را در جریان بگذارد.

بدنامی که هرگروه را شد پیش- مدان شاهنامه بوده‌اند یعنی احسان نراقی ایدئولوگ نظام شاهنشاهی وخوش‌گیش ها و چپ‌های اسفندیار فرهوشی و خیلی دیگر از کارگزاران استثمار شده و همه زحمتکشان محاکمه‌شوند و درمعرض قضاوت خلق مسلمان قرار گیرند.

شما فکر میکنید مردم در برخورد با این وقایع وچهرها تاهقدر، مایوس و بدبین خواهند شد؟ آیا این استراه ورسم حمایت از مستضعفین و سرکوبی سرکوب‌کنندگان مردم در سالهای سیاه و خونبار. آیا جوانان مسلمان این اعمال است که وحدت را حدشه‌دار می‌سازد؟ بطور میشود بین عاملین این اعمال و مخالفین ان وحدت ایجاد شود؟

این افراد کسانی هستند که حتی طعم یك شلاق‌سواك راهم نچشیده‌اند و نان‌رنج و گرسنگی را نخورده‌اند تاجائیکه با امیدی، مداوم ثابتی‌سواکی بزرگ ایرانی را آزاد میکند تا جائیکه جلاد سواکی‌خائن در دادگاه اعتراض میکند که: امیدی معاون ثابتی را آزاد میکنید واما ما بحاکمیت؟!! کار دادسرای انقلاب که دادستان تهران آن بسرای سرمایه‌داران دل می‌سوزانند بجائی میرسد که در روزنامه اطلاعات پنجم شهریور ماه صفحه آخر نام تعدادی از

مرگ بر رژیم ضد خلقی حاکم
پیک ستاره خلق پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کار
www.peykar.org

یگانگی صیادان بندر انزلی، مشتی بردهان ارتجاع

مردم زجردیده و زحمتکش بندر انزلی و بخصوص کارگران شیلات سالهاست که صنعتیاً استثمارو ستم سرمایه‌داران وابسته و زالوصفت را با پوست و استخوان خود لمس میکنند. دریا نامی کهنرای زحمتکشان این مرز و بوم زندگی بخش است از این مردم میگرفتند. زیرا امپریالیسم این دشمن عمار باد ستهای نایاک سرمایه‌داران وابسته طلای حاکستری ـ خاویار را بغارت میبرد. خاویار بند انزلی بسادگی حاصل نمیشود. خاویار بندر انزلی حاصل کوشش شبانه روزی کارگرانی است که تا مرز مرگ کار میکنند و خود حاصلی از آن نمیبرند. خاویار بندر انزلی یعنی منبعی از ثروت که جون نفت خزر دارد و رنج برای رنجدیده ملت مانده اشته و ندارد. زیرا که در دست نایاک مرتجعین سرمایه داران وابسته محصور است. شرکت تعاونی شیلات نه تنهاخاویار بلکه اساساً دریا را جزو مایملک خود بحساب آورده و ماهیگیران ایرنقطه را از صید ماهی محروم کرده جرا که ایران نه برای ایرانی بلکه برای امپریالیستها است. ایران بهشت غارتگران امپریالیستی و جهنم زحمتکشان است. بدرد دل ماهیگیران بندر انزلی در سال ۵۷ یعنی زمانیکه رژیم منفور پهلوی حکومت میکرد گوش کنیم:

"پدران ما صیاد بودند ما صیادیم. منبع درآمد ما این دریا است. ما ماهیگیری بلد یم و کار دیگری نمیدانیم و کار دیگری هم در این شهر نیست. نه زمین برای کشاورزی داریم و نه کارخانه‌ای تأسیس شده که نان راحت توی سفرهمان شود. یک عضو ساده‌ٔ دولتی پیر از دوسال از قبل ماها ثروتمند از این شهر بیرون میرود و ما که در شبهای طوفانی بدریا میرویم و تاصبح میمانیم و سالم طوفان و دریا در نبرد بیم و از طرف دیگر مأمورین دولتی در خطره همچنان دست به دهان باقی میمانیم مزدبانهای این دریا ما هستیم. مالیم کمدل شب تا نزدیکیهای آب شدروی سرویم و در ازخشم مأمورین دام پنهان میکنیم. هرکس که از مرکز برای رسیدگی بوضع ما می‌آید میرود پیش فرماندار. حال فرماندار خوب است فکر میکند که حال ما هم خوب است. باید بیائید در همان مادر جلساتی که راجع به ماهیگیران و صید تشکیل میدهید بگوئید که ما صید بی رویه میکنیم. اگر این دریا مال ما باشد و ما آزاد خطرمیکن است جنین کاری بکنیم. الآن خودمیم و در خطر. بله ماهی سفیدی که تخم ریزی نکرده را هم صید میکنیم جون از فردای خود خبر نداریم ولی اگر آزاد باشیم بهتر از کسانیکه جلسه میکنند صید ایم که ماهی سفید تخم ریزی کند سال دیگ ماهیهای بیشتری برای صید داریم".

بعد از قیام، بعد از روی کار آمدن دولت فعلی که گفته" انقلابی" بی عملترین واژه برای آنست خلقها ایران برای دستیابی به حقوق حقه شان در ابتدا صبر کردند ولی حاصل چه شد؟ حاصل این شد که همان سرمایه داران، همان مرتجعین و همان وابستگان به امپریالیسم خون زحمتکشان میهن ما را در شیشه کرده و میمکند.

براستی در بندر انزلی چه گذشت؟ برای اینکه یا علت بروز این کشتار وحشیانه آگاه شویم باید قدری شرایط زندگی، مسائل ومشکلات مردم این بندر نظر افکنیم. بندر انزلی بندریک صد هزار نفر جمعیت دارد. بندر انزلی شهری است که اقتصادش بندری بوده و مردم این دیار از راه کارهای محلی زندگی میکنند. تاسیساتیها معمولاً برای مردم بندر فعالی بوده که میتوانستند حداقل ماحتاج خود را بدست آورند. زیرا که مسافرین زیاد برای این بندر صید درآمد خوبی بود. با رسیدن فصل پائیز و کم شدن مسافران، فصل ماهیگیری شروع میشود. خلاصه گفته ماشیم مردم بندر انزلی دو منبع درآمد داشتند که عمده ترینش دریا بود. ماشان از آب گرفته میشود و بقول خودشان منبع درآمد ما این دریا است. اما امسال که مسافرین دریا کم بود تنها درای تأمین زندگی دریا بود. رزیم منفور پهلوی دریا این منبع زندگی را از مردم گرفته بود و به ماهیگیران لقب فاحافسی میداد. بقول ماهیگیران این بندر: "حریصه" دام کوچک... دندوان و حریصه" دام بزرگ..." چونکه است. "با این خیال ماهیگیران امسال بکوصت غارتگران از منابع ملی ایران کوتاه شده است برای صید ماهی و گذران زندگی کوشش کردند، لیکن این بار نه با زاندارمهای رزیم حافظ شده شاه بلکه با کارد محافظ شیلات که اعضاء کمیته های طرفدار هستند و توسط کمیته مرکزی بارخواست تحت وزیری برای حفظ شیلات به انزلی اعزام شده اند، روبرو شدند. ماهیگیران صبور و زحمتکش بندر انزلی سالها پیش گفته بودند که: "قایم را بگیرند و مرا زنده در این کانال بگذارند و بروند" ... غیر ممکن است خلایق که مال خودم است آتشش میزنم یا فرار میکنم یا میمیرم ولی تسلیم کسی که بخواهد مرا به زندان ببرد نمیشوم".

علت کشتار روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر در بندر انزلی در همین جا نهفته است: "از سه چهارماه پیش تا کنون بین صیادان شرکتهای تعاونی با شیلات اختلافاتی بروز کرده بود و مقامات مسئول استان برای رفع مشکلات جلسات متعددی تشکیل دادند". (انقلاب اسلامی چهارشنبه ۲ آبان)

اگر رژیم ساقط شده" شاه به صیادان باطلوگیری از صید ماهی به آنها اتهام شورشگر، ضد ملی و... میداد مرتجعین کنونی دهان یاوه گویشان را بازکرده و آنچه را که رژیم منفور سرنگون شده" شاه برعلیه صیادان و مردم بندر انزلی میگفت دوباره به زبان می‌آورند. آنها دروغ میگویند و حقایق را وارونه جلوه میدهند. اما حقایق از درون گفته های ضد و نقیض خودشان بیرون میزند: "طبق توافقی که بین مسئولین امور و ماهیگیران آزاد در سمپوزیوم صیادان برقرار شده تصمیم گرفته شده است... حتی خود شیلات هم نمیخواستی به صید ماهی اقدام میکرد ولی ماهیگیران آزاد متوجه میشوند برخلاف قرار قبلی، شیلات اقدام به صید کرده و در دریا توقف کرده. ماهیگیران خشمگین به دریا میروند و تور شیلات را پاره میکنند. در این هنگام گارد شیلات مداخله... و برخوردی شدید بوی میدهد..." (همانجا)

اما ببینیم که چگونه روزی نامه" "جمهوری اسلامی" این مدافع سرسخت ارتجاع حقایق را وارونه جلوه میدهد: "وقتی که استاندار و رئیس شهربانی گیلان برای تحقق خواستهای آنهابه بندر انزلی میروند، با حمله" خساراتبار و نقشه" صد انقلاب روبرو میگردند... جریحه‌دار فدائی خلق بطور آشکار با شعارهائی علیه اسلام و جمهوری اسلامی و امام خمینی طرح پیاده ران انقلاب اسلامی را محاصره کرده به آتش میکشند" (۲۵ مهر ۵۸) رادیو تلویزیون این بنگاه دروغ پردازی نیز جبی ها و فدائیها راطرفدار اصلی قلمداد میکند. اما در همخوردن این بار از زبانهای زنده" ایشان میتوان بیرون میزند که: "فرماندار درمورد بازداشت گروهی از صیاد ان گفت این عده بهنگامیکه شهر در دست خودش تا آرامیها بود توسط پاسداران در بین راهها بازداشت شده اند" یعنی اساساً ریشه" درگیریها بندر انزلی اولاً در تجاوزات شرکت تعاونی شیلات و دوماً در سرکوبی زحمتکشان و کارگران این بندر نهفته است. پاسداران ضد انقلاب قبل از وقوع حادثه نه تا جبی ها بلکه با مردم روبرو بودند و آنهارا در سنگر و زندانی میکشند. زیرا که مردم وکارگران بندر انزلی خواهان آزادی صید بودند و میخواستند دست غارتگران شیلات از دریا این منبع‌عمومی بخش کوتاه شود. و بیهوده نمیگوئیم که بعد از گشتار وحشیانه" مردم بندر انزلی برای جلوگیری از نارضائی مردم باصطلاح جبی ها را نابود نکردند و تازه قدرت آن راهم دارند بلکه: "حجت الاسلام احسان بخش نماینده" امام در رشت گفت براساس فرمان امام صیادان آزاد اعلام شد"

(جمهوری اسلامی ۳۰ مهر ۵۸)

می بینیم که ریشه" گشتار بندر انزلی همان جبزی است که گشتار خلق عرب، خلق کرد و... رابوجود آورد. همان جبزی است که کارگران کارخانه های مختلف را به مبارزه بر میانگیزد و آن جبزی نیست جز ادامه" استثمار بیرحمانه" زحمتکشان و حمایت رزیم حاکم از سرمایه داران. حمه کسانی در مبارزه" صیادان بندر انزلی برعلیه تجاوزات شیلات به کشتار مردم دست زدند؟ مرتجعین جنین استدلال میکنند: "گفته شد که حوادث این بندر بنحوه هائی از سوی توطئه هائی است که قرار است بنوبت توسط سرویسهای مخفی "سیا" و جند سازمان سیاسی دیگر صورت گیرد". آنهاجنین به استدلال نمیکنند و ما نمیدانیم حرا ادامه" استثمار بیرحمانه" زحمتکشان و حمایت رزیم حاکم از سرمایه داران، حه کسانی در مبارزه" صیادان بندر انزلی برعلیه تجاوزات شیلات به کشتار مردم دست زدند؟ مرتجعین جنین استدلال میکنند: "گفته شد که حوادث این بندر بنحوه هائی از سوی توطئه هائی است که قرار است بنوبت توسط سرویسهای مخفی "سیا" و جند سازمان سیاسی دیگر صورت گیرد". آنهاجنین به استدلال لااقتضای ادامه میدهند و ابو شریف در مقابل سوال "جمهوری اسلامی" که جرا پاسداران بسوی مردم شلیک کردند میگوید: "... در اینجا نقطه ابهامی از مردم بعنوان نماینده وارد شدند و تکلیف تعیین میکرد ند. ماگفتیم نمیکرد یم... دیدیم ما فقط در سالن مانده ایم و مردم داخل میشوند و مهمات هم در راهرو بود... ناجار شدیم به تیر اندازی هوائی متوسل شویم و بعد از نتوانند از هوائی مردم منفرق شدند پشت دیوار بلوار سنگر گرفتند و ما را سنگ باران کردند" (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر) مردم بی سلاح تنها با سنگ حواب تیرهای "هوائی" آنهارا میدادند. تیرهائی که در رشت بمعابت "هوائی" بودنشان گفته های زیادی بجای گذاشتند. خوب است ادامه" صحبتهای ابوشریف را بخوانیم "البته برای نزدیک شدن مردم بسوی مردم صحبت میکردیم که وقتی مردم میدیدند بگلوله‌ها قرار میگردند و ما تیر اندازی هوائی میکردیم که خیال کنند ما بطرفشان تیر اندازی کردیم و حتی آنهاکه مجروحیت دیده بودند توسط تیر باران جیمها بود..." (همانجا) بیان این مرتجع حاطره های روزهائی را در ذهنمان زنده میکند که از هواری این سگ امپریالیسم بعد از قتل عام مردم زوزه کشان میگفت که ما نمیدانیم خودشان بودند یا از ابوشریف سوال میشود مردم چه مقدار بودند؟ "خیلی در حدود سه هزار نفر بودند و همه" خیابان را پر کرده بودند" (همانجا)

آری سیل خروشان مردم عاصی بخیابانها سرازیر میشود، و شعارهای حق طلبانه میدهند، خواهان کوتاه کردن دستان وابسته به امپریالیسم هستند، خواهان بدست گرفتن سرنوشت خودشان است تا خود را از فقر و تنگدستی نجات دهند. اما با سوت طلاب پاسداران ضد انقلاب روبرو شده سه و در این ماجرا ۱۳ نفر کشته و ۹۰ نفر زخمی گردیدند. مردم بندر انزلی صلح ستند تنها بخاطر آن که تلاشهای خود را گرفته بودند را گرفته بودند. روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر بندر انزلی بار دیگر در هاج و تهاجم آتش‌افکنیهای شاه و همکاری مردم ما را بیاد می آورد. مردم برای گفت برخیمها خود از همه طرف کمک میرساندند. ابنوهی از بنده، طعمه، و وسائل کمک اولیه در بیمارستان دکتر صدری انزلی آماشته شده بود.

در هرحال مردم بندر انزلی سیاه پاسداران را بدرستی شناخته‌اند و نمیخواهند وجود آنها در شهر تحمل کنند و این نه تنها گفته و نظر آنها است. حتی سپاه پاسداران آن چنان قبح و ننگ است که شهر را از سپاه پاسداران تخلیه میکنند: حال که سپاه پاسداران می جبره شده است، عدی حاش و فلد رمتن یا جبره" باصطلاح مدافع صیادان به آنجا میرود تا در فریب مردم و استحکام نیروهای درباقی فعالیت کند. اما بازهم بیشرمانه مردم را مقصر اصلی قلمداد می کند. در هر حال کماکان بندر انزلی بی آنیهات است. با اینکه رژیم مرتجع حاکم عدت تشدید کرده ولی برنامه برای تهاجم وسیعتر را دارد. اینجنین در مقاصه این با جمهوری اسلامی اهداف در سپاه پاسداران را به این شرح توضیح میدهد: "مادرصدد نیستیم که گفته" این عوامل ضد انقلاب که اغلب آنها برای ما و مرکز و محل تجمع ما شناخته شده اند در بند فرصت مناسب تمام اینها را دستگیر خواهیم کرد و تحویل دادگاه انقلاب خواهیم داد... اصلاً محیور هستیم که یک عقب‌گرد از شدت عمل خود داری کنیم" (۳۰ مهر) ابو شریف. همانگونه که مردم ما فقط بر علیه شاه میتوانستند خوب مبارزه کنند. خوب همبستگی داشتند با بند و خوب ارتجاع را عاصی کنند و بالاخره با قدرت خود سرنگونش سازند.

هم اکنون بیش از یک هفته از کشتار بندر انزلی نمیگذرد که رژیم ارتجاع و صیادان ترکمن، به بهبود رشت، بندر حسن کیاده و... به شبیخونی از صیادان انزلی و محکوم کردن کشتار وحشیانه" ارتجاع تظاهرات میکنند و در حضر این تظاهرات بارهم زد و خوردهائی رخ داد. اما تمام اینها نشانه" همبستگی مبارزه" جویانه" مردم صیاد ند. آری اگرچه ارتجاع تا به دندان مسلح گشتار خلق اباثی ندارد ولیکن قدرت توده" مردم و یگانگی آنها از هر سلاحی برنده تر است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اخبار و.....

ناصر ه کسی است که سابقاً مسئولیت امور بنی وحج واوقاف آمل را برعهده د اشت ودیه لیل روشت ن رشوه ازاین وزارتخ ن دریافت کرده بود ودراطاق لباس کرد ه بود ند . تحقیق هیئت د زادن در رأس امیر قرارمی گیرنده . در حکومت جمهوری اسلامی نیز ، چون بگرزوزیمهای سرمایه د اری ، محیط برای پرورش رشوه خواران مناسب است تادرپناه اسلام برانبوه کیسه های زر خود بیفزایند .

اراک ـ د رروزسوم مهرماه ، د بیلمه های بیکار شهر اراک ر ا استادان اری اجتماع کرده وخواهان بهبود اکبره ا استادان اری شوند . طبق معمول استادان ارامید اکبر با آنها سرباززده ، ولی پس ا اصرار فراوان ظاهری شود وی گوید " برای جی می آئید وابنطرز مراحجبی شوید و شلوغ می کنید اینجه ه کارهست بروید وانجام د هید ملا" بروید سیگارفروشید " یکی از بیله های بیکار مطرح می کند که ماخواهان استفاده ازتجربه همسال هستیم . استاندارد رحواب می گوید " ازت من کاری برنمی آید " . د بیلمه ها که وضع رابد ین سئوال می بینند درمحل استاندارى متحصن می شوند . شب ساعت ۱۱ ـ ۱۲ رئیس شهربانی وچند افسرد یگر آمده وبه فاصله خاتمه د هند . یکی از افسران قرآن میخواند ومیگفت کهکوایوضع ماهمثل شما است وهمگی د رسحوان انقلابی ایم . سیگاری می گوید پس شما حقوقتان را سرسر به عید بما . افسرسکوت کرده وی رود . سرهنگ خلج رئیس شهربانی میگوید " اگرمن د ستور بد هم همگی تان را بحبس می رسم " . د بیلمه ای میگوید د رانقلاب سعد ی برنشتا گروخواهد بود ومعتصد می شوید . اود رحواب می گوید " کاملاً حق باشماست وماعقید ایمکه کیسم به بختی بزرگ ماهم همین است " . د رخاتمه وقتی ازنرساندن بیکاران نتیجه ای حاصل نمیشود استاندار احیله" هد بد بیکار برند ه ود بیلمه های فنی را ازبیله جدا کرده وی گوید

دردل یك.....

همین افراد بابستری د ن ارجامعه ای طرفصرنظر د ربین سیوگاه مصور آمریکائیها هستند کهماهمانقلاب از ۶۰ هزارتومان ازد ولت حقوق میگیرند . سئوال ما ازافراد بامضلاح بد لسوزد ولت ایراست کهبی نوبت بجای بالا و پائین کردن پیچ تومان حقوق ورا نه" ، تکلیف این مخترعها را روشن نمی کند ؟ مگرمردم ایران بیش ازیکعده هرارکشند ورحمی نه اند که کشرحوحه ها رهای آمریکائی را ازمملکت کم کنند ؟ بجای اینکه بقول آمریکائیها را ایران بیرون کند تازه همه" رزومامه ها مینویسند که آمریکائیها د یارمرسگرند .

جند روقبل آقای استاند ارد رنامه ای کهکیه" آن ضمیمه بسیاند بود برای شرکت نوامبرسوید کمسئولین امور ، راین شرکت تاکنون حوهرا را ایمال کرده اند وعمل خلاف قانون انجاد د اده اند . مسئولین نامه ها ر ا دریافت نامه" استاند ارد ست ناهمچنه اند وسخواهند هرحه زود تر مدا ر ا ازشرکت بیرون کنند . مگرماحقگاهی کرد ه ایم کهد بگرساید د ر این شرکت کارکنیم ؟ آیا د ولت می خواهد کهاسنوبه بعد از بستمارگ ایان بعد ارانقلاب بیبود بم ؟ مافرزند ازدحمکش این آب وخاک هستیم وبرحد توانای خود برای مملکت خود مارن حمت کشیدهٔ ایم وتا آخرعمرهمیخواهیم بحمت بکشیم . مخترعهای ما زیاد ی هستند کهملکعلوم راد ارات مختلف بیل بیت ـ المال رابالا کشیده اند وهوزهم د رآس کارها کهمستند هیچ ، حتی ترقی هم کرده اند .

سیوگاه سکارا آقا نمایسا میدارند وما ازخود مان می پرسیم ایر آمریکائیهای بی شرف کهماهانه جهل یا

سخنان خمینی ، دفاع از سرمایه داران

" اگر د راین محیط یك اختلال حاصل بشود بگرنه من نه نمیتوانم هیچکس ، نه روحانیت وبنه اسلام نمیتوانند جلویش را بگیرد . انحصارا گرد رزمان طاغوت حاصل می شد ماهای نمیتوانستیم با نصحت ، یامحظه یا مامورمانع بشویم . اما انحصارا گرد رشن اسلام حاصل بشود مردم باآن از جمهوری اسلامی صفحرشونده د یگرقائل مهار نیست . این شروتمند ازبعهند این مطلب راکه اگرحد ای خواسته یك وقت یك انحصاری که نشود مهارش کرد د ریك ملتی بیاید همه" این

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوا می دهد

جلاد خلق رشوه میگیرد

صادق خلخالی ، د ادگاه انقلاب اسلامی ، مهابا د ۴۰۰ ضربه شلاق را ، ۵ میلیون ریال محالفه کرد

* برای اکه متهم طعم شلاق را چشه دستور داده ، برای حالی نبودن عریضه فقط ۵۰ ضربه شلاق به او زده شود تا برای همیشه اورا خاطر سپرد .

ایست نمونه " عبد الله اسلامی " . " عبد الله " که شامل حال خود فرونخکا رزیبصفورمیشود . محمد الله " که رشوه خواری را رسمیت می بخشد . د رست د رزمانه میکند رشهرساخا سته" مهابا د سیمه " آزاد نخواهان راملکوله می بند ند ، د سته د سته اعدا میورا سه جوحه" کرده ند ، د سته د سته اعدا میورا سه د رست د رشریابی که مرد برحد به ه" ایران خواهان سرکوبی عناصرمرد وراواك وعقبمانده ان توطئه های آنها هستند . حاکم شرع ، صادق خلخالی ، شکنجه گرها وانعصابا د ارا زمحارب معاف نمید ارد .

برای نومیه عمل حود تبلیغ میکنند کهکوایوحد ر راهتی را بحساب مستضعفان واریز کرد ند کهای د نیاد به د ست ماست که رشوه خواران مرتدوم ارابنفع زحمتکشان بکار برند ؟ اکنون کهصارا حلخالی کرد روزواوج بیشتری میگیرد ، مرتجعان حاره د ار ، راسی میبند که ازوجود عوامل کثیف ساواك نمیتوان برای سرکوبی خلق بیشتر ارپیش استفاد ه کنند . بد ین جهت بالا آزاد کد انتشن عناصرد ه بالای ساواك ، بخصوص حلاد ان ، وامروز شکنجه گرمهابا د ، می کوشند به شکار انقلابیون بپرد ا زند . صلحابارزین کرد براثر مبارزات که تنه شان بر علیه رژیم شاه ، د ارای پرونده های فطوری رساواك هستند وازبد مرتجعان کورد ل شخص حلاد ی چون خلخالی حه بهتر که از " مبرزان " سابق ساواك " د وباره رحوع به اسناد ساواك پرونده ها ، بشناسا نی و د ستگیری فعالین جنبش خلق کرد . اقد اهنود ن راین رابطه است کهتکنکه کرساواك مهابا د بازد و نه بد ا د ستگاه حاکمه کنونی ، ازمحارسان بالقوه ، می برد تا آزاد انه بحنه مت د ر اد گاه " انقلاب اسلامی " و د ست اند رکاران سرکوب حنسشهای حق طلبانه کرفته شود . وشکارهارابرین برد ازد . مبارزینی که د ر ارتباط حاضره حاسازی بود ند و ازمحارب آن " د ر ا ن " د گاه انقلاب اسلامی " وشکنجه گران ساواك واعضاء پلیس د رآمده اند .

حزب توده و.....

" فراموش " می کنند . " رنجبران " نیز با استناد ه ا ز تئوری ضد انقلابی " سه جهان " میکوشند تاخطر امپریالیسم آمریکا را د ر ایران نفی کنند و د ر همین راستا توجه " سوسیال امپریالیسم روس گرد انند . " اوضاع فعلا" ایران به بعد از انقلاب تغییر اساسی کرده است ، فعلا از انقلاب ازمحان د و امپریالیسم نم کرحمله می بایستی روی آمریکائی بود زیرا هنوز حامی وپشتیبان اصلی رژیم شاه را یاری می کرد ، د رحالی که امروز زمینه ایران بگرزمینه ای نیست ، بلکه رژیمی است ملی که د رمبارزه علیه شاه و آمریکا با سرنگونی آنها استقرار یافته وبه آمریکا ضربه" مهلکی وارد شده است برعکس ارهرقت شوروی نه تنها د رحوا ب انقلاب لطمه ای نخورده است بلکه د رست بخلاف ارمعد ان د ر برخی قسمتها ، وضع بهتری بست آورده و بخلاف اینکه د رسطح جهانی هم آمریکا هرروز د رمبارزه امپریالیسم شوروی عقب می نشیند ، د رشبعه ارجهان د و ابرقدرت گفته" تراژدی سود شوروی حریده است " " (رنجبر ۲۷ شهریور ۵۸) . ماضمن برحورد همه جانبه با اظهارات فوق ، که معلوم ازنظارت های فراوان است ، د ارم و د رابحا تفاضل به بلشعبه که هماسا که" فراموش " شوروی حریده است " می بپرد ازیم . حال سئوالی هست ، آیا اکنون د رایران شرایط به" خلق ها یا کهاکنان امپریالیسم آمریکا نیست ؟ آیا تمام قرارد اد های اقتصاد ی ـ نظامی ـ فرهنگی ، که رژیم فاشیستی شاه با امپریالیسم آمریکا بسته بود ، د رحال احیا" و تمدید نمی باشند ؟ آیا " رنجبران " بایدعلیه ارتجاع ، ۲ میلیارد د لار بابت خرید اسلحه ، پس ازجنایات کرد ستان بشته ، ۱۵ د آیاورد ۲۵۰ تن مستشار حد به آمریکائی به ایران را نعید انند ؟ پس چگونه است که ادعای کنند شوروی شعن عمد" خلق های ایران حساب می آید ؟ بد بد ه" ما این ادعا فقط برعهده رابحوت تحکیم منافع امپریالیسم آمریکا

نامه ای.....

آقای رسد ، بعد از اظهار آرزوزمزم رگوستان شهرد ست به نظاهرات د ن شعاری زنند که با یورش افراد کمیته و پاسد ران (با لباس شخصی) نظاهرکنند گان متفرق میشوند این رگیری حد ید ن زخمی به بارمی آورد .

یکشنبه نیزتعد اد ی قریب ۵۰۰ نفرد رآموزش وپرورش جمع شد ه بود ند که گارمیخواستند . آنها از د بیلمه های بیکاربود ند . تعد اد ی از د انش آموزان هم به آنها پیوستند . جمعیت رفته رفته به د وهزارنفر می رسید . شعار " گرمی مطالبهاست ، راه گرمی راه ماست " از د رون جمعیت جوش زد . پاسد اران بجای شعافرد اسرکارمی رسوند . ساعت یك بعد ازظهر نباشد جلوو کمیته وبقیه" بیلمه ها که تخه می ند ارند به جهاد سازند گی سپرده میشوند تاد رکارزراعت شرکت کنند . فرد اساعت یك بعدی د بیلمه ها کهبیته" ازاقد احراجمه می کنند ولی تاشهد ید باسد ارا بروبرو میشوند وبعد ازآن به وزارت کارمراجعه می کنند کهد ر آنجاهیچنتیجه ای نمیگیرند . فرارسید ن بنان سرمای ایجاد نوای د بیلمه های بیکارشهرا را تاحی باشد .

مسجد سلیمان ـ د رطی هد تی که ازگشایش بد ارس می ـ گذرد د انش آموزان ، بسرنشانیهای هفت اسفند وارزی وچند مد رسه" راهنمائی هروزتظاهرات بانکوهی د رشهربرپامی کنند که گاهآنه د رگیری با پاسد اران منجری شود . خواستهای د انش آموزان عبارت است از :

۱ ـ اخراج پاسد اران ازشهر

۲ ـ تشکیل شوراد ر انش آموزی

۳ ـ بازگشت معلمینی که بعلت اعتقاد و فتارکار خود راهاکرد ه اند

پیش بسوی وحدت مارکسیست ـ لنینیستها

بایگانی اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

شوراهای

شرکت توده‌ها در امور و سرنوشت خویش است ، و لنین که هرگونه صدای حق‌طلبانه و اظهارنظر رهبر و پرور شوراها را "ضد انقلابی" زده و تشکیل شوراها را "صلاح" نه است و آن را خصوص در روابط های تولید و صنعتی به مثابه "نیروی در راه گردش چرخهای اقتصاد و فلج" می‌کرد ، و لنین که شوراهای واقعی را عقلانی را در سطح ، ترکیب صحرا و . . . تشکلهای آنها را خلاصی کنند و اعضای فعال آنرا به حوزه" آتش سبز" ، و لنین که گفته" طبقاتی خود را نسبت به توده‌ها و حدود انتهای برخی آنها در رابطه با اعمال حاکمیت توده ای ، به وضوح در چند ماهه" اخیر نشان داد ، اینانه که بکارند که راه‌اند افتح تشکیل شوراها معرفی کرده و فرمان انتخابات شوراهای رستاخیزی را صادر می‌کند . رژیم سرمایه‌داران وابسته به آرائیک از هرگونه حرکت مخالفانه" توده ای زوال تند رهبری خود را شناخته و می‌کند ، پس از فشارهائی که مردم با یران ، بعد سال کشتار این الله طالقانی معنی در تشکیل شوراها ، روی وارد آوردند و چاره را در آنی بسند که با یاراه اند انجمن انتخاباتی در روشن شبه شورائی مسح تده را به توده‌ها تحمیل کنند . با تکاهی که را به اصول شوراوشیوه" انتخابات بخوبی می بینیم که شوراهای فرمایشی کنونی نه بعنوان ارگان فیا پوسا تراز اده" توده‌ها ، اده‌ها را در اتونک ارویو ، ای قدرت تصمیم‌گیری و اجرائی است ، بلکه کار یکاتوری از شوراوبه و برگزینجمع افراد ی است که نمونه تا را در مجلس" خبرگان" فرمایشی به وفوری با بیم .

ارهمان اوان تصویب قانون شوراها حجابی معلوم بود که به سال انتخاباتی ارزیش ساخته و پرداخته ، نه تنها میابند کار واقعی مردم براه شوراهی نیست بلکه نتیجه" آن سپردن کنترل همه" سنگاهها و نهادهای مطلت به دست افراد حزب معلوم الحال خواهد بود . ماده" ششم قانون شوراهاکواه براین امر است . زیرا ازجمله" شرائط انتخاب شوندگان "اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی" و "اشتهار به حسن شهرت و داشتن سوابق فعالیتهای اجتماعی" می باشد . در واقع شرط "وفاداری به جمهوری اسلامی" یکی از طرق در دست نبودن کرن افرادی از آن گونه "وفاداران" است که امروز در مجلس "خبرگان" کرد آمده اند و "اشتهار به حسن شهرت و سابقه" فعالیتهای اجتماعی" هم چیزی نیست جز این که نمایندگان باید از افراد ی باشند که در چهارچوب سازمانهای اسلامی فعالیت داشته و به زیان دیگر در ارای ایدئولوژی اسلامی باشند . البته اکثر هم همینگونه فعالیتی نداشته اند فقط کافی است چون آقای بهشتی ، امروز نخستین کسی که شبه به رژیم حاکم وقت "وفادار" باشند . طرفدار آن حاکم کنونی شده باشد و آنرا بازی خود انحصار طلبانه را در رأس امور شهرها قرار دهند و برای اینکار هرروز مانیزه بازی می کنند و به کار وضد وفاداری و فرآوری کشانند تا به کسانی رأی بدهند که قبلاً انتصاب شده اند و حدود اختیارات و وظایف آنها سرتعیین شده است . ماده" ۴۷ "وظایف و اختیارات شوراهای شهر طبق قانون اساسی ، ماده‌ای خواهد بود که براساس قانون شوراها که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید " ، حال توده‌های قربت خورده اگر از این آئین نامه وحدود و تعهود آن اطلاعی ندارند این دیگر برای انحصار طلبان اهمیتی ندارد . حد آنها اصولاً نمیخواهند آنها را در رستوتشتان راه دهند به هدف ظاهر آنها از اصول "اهرهنری میتهم" و "تا نه ورهم فی الامر" حرکت می کنند وبوی وگرای تبلیغاتی را جراء می اند ازند که کوباید خواست توده‌ها هستی در تشکل شوراها یا سخ نشت داده اند ، اما کیست که بداند همین اصول نیز سد ی در مقابل قدرت توده‌ها در کار و اهمال نخواهد بود . قدرت آن کنونی را سعی سر این است تا با یک زیرد ستی " ترعی " از تلفیق شوراء ولایت فقیه معجونی را به خورد توده‌ها بدهند که از طرفی مقبول باشد که شرکت آنها در رستوتشتان سا برگزاری انتخابات "تحقق" یافته و آرمودی بر خلاف روحانیت اشرافی را آسوده کرد انند که تصمیم با شما است و توده‌ها فقط نقش مشاور و امور ازی خواهند کرد و به عبارت دیگر های همینگونه نگرانی نیست ! ! سخنان آقای یا زارگان در رادیو تلویزیون عیان می سازد و قبل وقال تبلیغاتی آنها راجع به اینکه امور به دست مردم سپرده می شود ، رسوائی نماید . "اینها دستوریه پیغمبر اداده می شود شاورهم فی الامر و امر را مصمم کرده و حتی در برخی موارد به علیه شوراهای فرمایشی شما گشته و زخمی هم هستند ، مردم نیز هم هستند اطراف هشتیر دلوانش با شکستن صندوقهای رأی در سرسینه" نمایند گان شما زدند . بخاطر سپاریدکه مردم هیچ‌ند نمیخواهند و ساده با اغراض به نظیاتی که در رنحوه" انتخاب کاندیداها و نحوه" انتخابات در پیش خواهد بود محتاج را با رگرد ند و اعضای شورای شهر آباد اصحیو با متعفنا شده و طفلتان را هم عدد ا استقبال مرد م از انتخابات دگرکرد ند . مردم دیگر ند ان حواستار انحلال شورا های شهرشده و انتخابات در پیش نیز چنین می‌خواهد برحای که تشکیل شوراها و انتخابات در پیش نیز چنین می‌خواهد بگیر . آیا شما این هما راتصدیق امید و فرامرش کرد ه اید که به تحلیل رو شبه‌ن تظیماتیان در برخی از شهرها حتی محدوده انحلال انتخابات شد ند ؟ مسلماً همین را به طاق نسیان نگوشه ، اید . ا ماصطلق انتخابات را مخالفان اجازه" با صحکوم ئی وحرکت در مسیر خواستهای خلق و اهید هند .

مردم توده‌ها در همه جا های مختلف حاکم از سرمو در ت کبری در شوراها ، بعیان دیده اند و بخوبی می دانسته که این حکم‌گری نه بخاطر ارائه" این مواضع آنها بلکه فقط بخط جبهه" انحلال نفوذ بیشتر از طرف مرتجعان و کسب قدرت بیشتر بود . نگاهی به روند آراءعمر برگزاری انتخابات مختلف در چند ماهه" اخیر نشان می دهد که این تمایلات که رو به زوال و ضعف می رویده . این نشانها هستند که نشد ریج بایه های توده و اخود را از دست داد ه و منفرد میشود . بنابراز یابی اعلام شده از تلویزیون ضلب راد ده ، زمان را فرانده و م برای جمهوری اسلامی ۹۰٪ ، برای انتخابات مجلس "خبرگان" ۶۰٪ و برای انتخابات شوراهای شهر فقط ۸ الی ۱۰٪ از کل واجد بن شرایط در رأی‌گیری شرکت کرد ه اند . این سیر نزولی کوبی روشن شمارا به صد ادر آورده است .

حلقه‌های قهرمان ایران با مارزات پیگیر خود در جمله سال اخیر و ابتدای طی برگزاری انتخابات شوراهای ثابت کرد ند که ضعیف و نهم نبوده و آنها را نمایند گانی انتصابی از طرف رژیم سرمایه در ارا وابسته نامیرد لیسم کاری نیست . مرد م بخوبی در یافتی کنند که سرانجام تبلیغاتیان در روز محصور بوده و نمی‌توانند هرگز با آن کلاه گشاد شوری ای که بتوانند اصل ولایت فقیه سرسر شان گذ اشته ، حی نمایند در حالت آنها را مرسر نوشتان با تشکیل شوراهای واقعی ، تضمین کنید و این د م و د دستگاه حد یدتان خیزی خزو سیله" عوامفریبی شکسته

وارد اره وامورات و دستگاه ، البتها ، همین مردم که حتی مرد م ضعیفی هم هستند ، مرد م نهضی هم هستند البتها شاوره کن و بشت سرتان اند ، سنوصی آیه (و اذا عزمت توکل علی الله) یعنی مشورت باید بکنی ولی تصمیم‌گیری با توست وقتی تصمیم گرفتی ، دیگر می ترد د نه و بی ترد د بروبه خدا توکل کن به خدا که کاری را عقل و درایت و حسن نیت خود ت و یا مشورت مردم صورت گرفته و به تصمیماتی قاطعانه متنهی شده" . حال بار دیگر فکر کنید این سخنان "پرمغز" و با آگاهی مرتفع ولایت فقیه ، که همه" تصمیم‌گیرنده‌ها به مرجع تقلید و فقیه می سپارد ، روشن میشود که این "تو" ی آقای یا زارگان کیست و تصمیم با چه کسی است و مشورت به چه مفهومی است . با صافه" اینکه آقای یا زارگان سا صراحت بیشتر ماه ای میگوید که "مردم فهمیده و مفهومی هستند" که منظورش "بی د ده‌گه" خاطر خصمانه ضد خلقی را به اجرا در آورد . این است حکومت شورائی که مردم تند ان حاکمیت نشته حواب نداشته و فرامانش راصادر می کنند . این است آن تصویر مسخی از شوراکه کوشش میشود به توده‌ها تحمیل شود تا از این طریق نیات خلقی خود را برآورده سازند . البته جزاین هم انتظاری نبود ، هماهنگونه که مجلس "خبرگان" که این به جای مجلس مؤسسان واقعی نشانده شد سایست جنس شوراهائی ، که در رواقع همینگونه اختیاراتی هم ند ارند به جای ارگانهای واقعی حاکمیت توده‌ها شایسته نامرد می نفهم و ضعیف هم سروکار ند ارید . کوبا نظاهرات و راهپیمائیهائی را که مردم شهرهای ایران در رطول برگزاری انتخابات شوراهای شهر برپا نمودند به یاد آورید . میگویند همینکس کوتزار آنکسی نیست که خود را به کوری بزند . وضایع طبقاتیان حکم می کند که کورباشید . شاید این شعارهای مردم مبنی بر "انحلال شوراهای رستاخیزی" ، "شورای شهرحای متکبران" و . . . نشنیده اید . میگویند همینکس کوتزار آنکسی نیست که خود را به کوری بزند و وضایع طبقاتیان حکم می کند که کورباشید . گویائی نشنیده اید که مردم دلاور ایران شعرطی قطعنامه ای در اقشا" و معرفی چهره های فعال رژیم که تشد ه فرصت مینماید . این زمانی است که عده‌ای از کارگران تقاضای وام ضروری تاجیزی نموده بودند و خواب "بودجه شد ه اریم" را از هیأت عد یره (رئوف) شنیده بودند .

اسد الله اسلامی – نمایندگان انجمن اسلامی .

سال ۴۹ بعنوان کارآموز در مرکز آموزش استخدام میشود . بعد از مدت کوتاهی در زمستان سال ۴۹ برای مدت یکسال جهت فراگیری تخصص شوروی اعزام میگردد . دوستان هم دوره‌ایش خاطرا تحالبی از بی خوارگی و عیاشی وی تعریف

عناصر فاسد در ماشین سازی اراک

در موقع اشغال هیئت عد یره "تدافع کارگران تحت لوای اسلام" شرکت و با بعود عناصر ضد کارگری به هیأت عد یره راه می یابد . بعد از یک ماه حقوق خود را ۵۰۰ تومان افزایش داد و مبلغ ۷۶۰۰ تومان بعنوان افزایش حقوق عضو افتاد و از حساب کارخانه که جز نیروی کار ما کارگران نیست ، برداشت مینماید . این زمانی است که عده‌ای از کارگران تقاضای وام ضروری تاجیزی نموده بودند و خواب "بودجه شد ه اریم" را از هیأت عد یره (رئوف) شنیده بودند .

اسد الله اسلامی – نمایندگان انجمن اسلامی .

سال ۴۹ بعنوان کارآموز در مرکز آموزش استخدام میشود . بعد از مدت کوتاهی در زمستان سال ۴۹ برای مدت یکسال جهت فراگیری تخصص شوروی اعزام میگردد . دوستان هم دوره‌ایش خاطرا تحالبی از بی خوارگی و عیاشی وی تعریف میکنند . پس از مراجعت از شوروی در آموزشگاه ریخته گری و اشعه" ایکس مشغول کار میشود . . .

بزار مدتی به مرکز آموزش منتقل میشود و همزمان با کار در آنجا فروشگاه لوازم صنعتی در شهر دائر میکند . بنابه گفته" نگهبان مرکز آموزش (سید سجادی) نامبرده همه روزه مقادیری از ابزار و وسائل کارگاه را با خود از محوطه خارج میکند . نگهبانان افزایش حقوق عضو افتاده و ازحساب کارخانه که جز نیروی کار ما کارگران نیست ، برداشت مینماید . این زمانی است که عده‌ای از کارگران تقاضای وام ضروری تاجیزی نموده بودند و خواب "بودجه شد ه اریم" را از هیأت عد یره (رئوف) شنیده بودند .

اسد الله اسلامی – نمایندگان انجمن اسلامی .

سال ۴۹ بعنوان کارآموز در مرکز آموزش استخدام میشود . بعد از مدت کوتاهی در زمستان سال ۴۹ برای مدت یکسال جهت فراگیری تخصص شوروی اعزام میگردد . دوستان هم دوره‌ایش خاطرا تحالبی از بی خوارگی و عیاشی وی تعریف

مولوی، مدافع امپریالیسم

محمد علی مولوی مد یرعامل بانک مرکزی ایران، جدی ی پیش به لنه بی‌روا رکرد تا راهها ی مناسب را برای حیاول هرچه بیشتر ایران بوسیله" امپریالیسم انگلیس فراهم آورد . "وی برد اخت ۲۰۰ میلیون دلار سهم بانکهای خارجی را در بانکهای ملی شد ه" ایران تضمین کرد ه است" (باند اد سه شنبه ۲۴ مهر) .

د ولت سرمایه د ارا ن راحکم نماید اکرای راکه بوسیله" مولوی این سرمایه د اروابسته به امپریالیسم انگلیس د ورت گرفته است را از بد یل دلی بپذیرد ، بی د ارد نیز نمی‌تواند توده‌های خلق و را در بانکهای خارجی و ا امپریالیستها نگهد اشته و از این طریق منافع خود و امپریالیستهای وخنوخوار را تضمین نماید .

با زبرد اخت ۲۰۰ میلیون دلار سهم بانکهای خارجی از بانکهای "ملی" چیزی نیست جز بر سا د ادن د ه سترنج کارگران و زحمتکشان میهنمان بیش از فرون بر ثروت استثمارگران و نالا نگران امپریالیستی . ●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ء کارگر
www.peykar.org

حزب توده

"حقان" ، "آزادند" ، "رفراندوم" ، "رفراندوم" ، "رفراندوم

چه کسانی دهقانان را ضدانقلاب مینامند؟

مردم مبارز: ●●●●●

اکنون هفت ماه از زمینه دار شدن بساط رژیم سفاک پهلوی و سپاه ما و شهرما مانه ی کارگران دو دهقانان و خلقهای ایران می گذرد. ولی هیچ تغییر اساسی در جهت خواسته های برحق زحمتکشان ـ که برای رسیدن به آنها مبارزه کرد ند ـ در همین مدت ۳۰ از دولت سرمایه و اری و روحانیون پشتیبان آن نمیتوان هم این انتظار را داشت.

دولت و واسنگان آن با هر مهای بلند ی که برای ر ادیو زیر پوشش اسلام و دفاع از انقلاب، هرچه سریعتر ما را بدا مان امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا می اند ازد. یعنی به جنگال همان عفریتی که سالها گلوی همین ما را می فشرد و آنچنان رژیم خونخواری را بالا سرما گذاشته بود که برای خلاصی از آن هفتاد هزار شهید دا د یم. ولی همینکه در گذشته در برابر ستمگریها و استثمارایستاد یم اکنون نیز در مقابل استثمار گران تحت هر پوششی که باشد خواهیم ایستاد و عوامل آنها را در شهرو روستا افشا کرد و از مبارزه با آنان یک لحظه نخواهیم نشست. البته سیاستها و خط مشی ما در برابر استقلال و آزادی و رژیم بهرسر مایه دا ران و روحانیون که در رحمت از همین بر دن در ستاورد های قیام و ایجاد کنونی بر سلطه سرمایه دا ران وابسته به امپریالیستها است در همه جای همین ما اعمال میشود از کرد ستان و گنبد گرفته تا مبارزات حق طلبانه ی دهقانان زحمتکش در اطراف خانه خودمان کشیده شد و بسا در کارخانه ها که اعتصاب کارگران را در هم می شکنند، تا روستاهای گیلان که هرگونه فشار و زورگوئی را مسر کشا و زان اعمال می نمایند.

چند روز پیش (سه شنبه ۳/ ۷/ ۵۸) در روستای بالا محله نامرکیات گرد هما ئی از دهقانان (حد ود ۴۰۰ نفر) برای تعیین هیأت عد ه ای برای شرکت تعاونی صوت گرفت. که فرماند ار اهیمان (کریمی) هم برای نظارت در این گرد هما ئی شرکت داشت و سخنرانی هم ایراد کرد. در این سخنرانی حون سایتهای ضد مردمی فه رت حاکمه (دولت و روحانیون) مکوبی مشهود است بر آن تأکید می کنیم.

آقای فرماند ار سخنرانی را با ذ کر حضرت علی (ع) و امامخمینی با حند آیه از قرآن شروع کرد ـ همه عوامل رژیم کنونی برای پوشاند ن چهره واقعی خود با سلام و صلوات سخن می گویند و عمل می کنند ـ سپس گفت "یک نماینده" واقعی باید مؤمن باشد و اگر نشود خود م جبار انگشت او را خواهیم برید و اینکه در رحمامها سلاخ فقروئی در سراسر قانون ما وجود ندارد."

د هقانان در روند کی روزانه خود هما نطور امیدوا ستند که در رطا هرهو "هند نمایندی خواهند و با بسم الله بسم الله راه سرودند ولی لیاقت نمایند گی را ند ارند. پس ملاک انتخاب باید نماینده "واقعی فقط مؤمن بودن نیست. نماینده "واقعی د هقانان کسی است که از منافع زحمتکشان و روستا حمایت کند. در رحمت آنان روستا و اراه اند احتن کار د هقانان کوتاه باشد و از کار هائی که انجام بد هد روستائیان را د ار حریان بگذ ارد و تازه این امکان را باید که روستائیان هر موقع تشخیص د ا د ند که نماینده ما فی د رحمت خلاف منافع آنها قدم گذ اشت او را از کار برکنار کنند.

فرماند ار ی گوید کسی که رشوه خورد جبار انگشتش را خواهیم برید (جراجبار انگشت؟) اولاً امروز قرن بیستم است. د وم "برد ه داری که نیست. ثانیاً مگر با برید ن انگشت رشوه خواری بقیه در صفحه ۲

"اگر صحیح است که تکامل در اشیاء مرز نقاط عطف اصلی و در نتیجه "مبارزه" قوای متضاد در پدیده" این امد ه ویرای فلسفه برا بن تضاد ها موجود می آید پس واضح است که مبارزه" طبقاتی پرولتاریا یا بقیه به "کاملا طبیعی و اجتناب ناپذیر می باشد".

استالین، تاریخ حزب کمونیست

مبارزهٔ طبقاتی اجتناب ناپذیر است

از یکی دو ماه بعد از ظهر بهمن ماه جنبش توده ای رفته رفته فروکش می کرد. رژیم حاکمه می دید است که در آینده "نزدیک برتمام جامعه مسئولیتی خواهد گذشت و بایدرژیم بتحکم، با آرامش و ثبات و بر پایه های محکمتر سیاسی و اقتصادی و نظامی و ایدئولوژیک خود بیفزاید. اما اینها همه فقط ظاهر خارجی اوضاع جامعه را نشان میدهد. اگر ما از زیابی و تحلیل خود را فقط بر اساس این ظاهر خارجی پدیده ها مبتنی نمائیم، بی شائبه چار اشتباه و سردرگمی خواهیم شد و در این صورت می گمان روحیه" یأس و بدبینی نسبت به آینده" پرشکوه جنبش برما غلبه خواهد نمود. رفیق مائو تسه دون میگوید "در برخورد به اشیاء ویدیده ها باید به ماهیت آنها نظر بیفکنیم و ظاهر خارجی آنها را مطالعه و رهنمائی نکنیم کلیه که راصد علت ارشان میدهد و سعی نمائیم از پدیده ها دست نیابیم، این بگانه اسلوب مطمئن و علمی تحلیل است." ((منتخب آثار ـ جلد اول، صفحه" ۱۲۸))

نگاهی د قیق به بطن جامعه ما هیت آنچه که در پیش چشمهاست نشان میدهد که آثار د روغ بحران در یکپه" زمینه ها هم اکنون کاملا مشهود گردیده است: در زمینه" با زار احساس مصرفی، بویژه مهمترین بیاحتیاج مردم، یعنی گرانی ـ مسئله" بیکاری ـ سامان اجتماعی ـ تولید و بازارهای داخلی و غیره. از آنجائکه قصار ما جامعه" ما کاملا گان رقید و بابستگی به امپریالیسم قرار دارد" و رژیم حاکمه به عامل حد ید این وابستگی تبد یل شد ه است، لذ ا این حرانها برای دستگاه حکومتی علاج نا پذ یری نا شد. این حرانی نیستند زاد ه خویش به تشنه بسه ها ی طبقاتی و تشدیداً تشخیص گروهی مبارزه" طبقاتی خواهد انجامید. بر اساس این وضع مبارزه بین طبقه" کارگر و زحمتکشان و سرمایه د اری وابسته و بین د هقانان و زحمتکشان روستائی و ملاکین و عوامل سرمایه د اری وابسته روستا، د رگیر ا حاد خواهد گرد ید.

البته بطور کلی روند تکاملی جامعه" ما که آگاهی بر آن افزود ید ا مار اسوی آیند ه" روشنا ئی می کشاند و هرگونه آشفتگی و تزد ید نسبت به آینده را زمیان می ببرد. تاریخ مبارزات سیاسی د رایران از زمان اوجگیری مبارزات توده ای علیه رژیم فاشیستی شاه، ویژه پس از قیام ۲۳ ـ ۲۱ بهمن نشان د هنده" رشد سریع آگاهی سیاسی تمام اقشار و طبقات ضد امپریالیستی با شد.

اگرچه آگاهی سیاسی در بین بخشهائی از مردم همواره زیر سایه" ستگین و اوهام بهی قرار گرفت و این موجب بروز تباهی و گمراهی برخی از ستحات مردم گرد ید، د، اما هرروزگه میگذرد واقعیات تلخ زندگی استثمار زد ه، افکار مرد م بیشتر از این اوهام، گمراهی و تباهی جد ا میسازد. زیرا که د ستحات مد هبی حاکم بسا ستهای د ولت تنها به برخی اصلاحات حزئی پرد اخته و بهیچوجه نمیتواند به اولیه ـ بقیه در صفحه" ۵

رویدادها و اخبار کوتاه

آبادان ـ د اد گستری رژیم کنونی پشتیبان قلوه الهویلا کن است. از این رو کشاو رزان را که اعتراض خود را علیه ستمگری و غارت د ست به تظاهرات زد ه اند به جرم "فیروزی شهرستان آباد ان" د ست به تظاهرات به تاریخ ۲۹ مهر ۵۸ زد ند.

بیجار ـ ۸ نفر از اعضای انجمن تحصیلی سازمان طی سوا د آموزی بیجار با توجه به سابقه" فاکار کرد مبارزاتی که اد از این جهت د رمبارزات شهر بیجار متحصن شد ه اند. فنا ر بر زحمتکشان از خصائل د ولت ضد خلقی کنونی است.

لاهیجان ـ حد ود ۲۰۰ نفر از کارگران شهر ار لاهیجان در تاریخ ۳۰ مهرماه برای تحقق بخشید ن به خواسته های برحقشان د ست به اعتصاب و تحصن در محوطه" شهرد ار ی زد ند و خواستار برکناری شهرد ار شد ند.

تهران ـ یکی از معروفها ن د رگیری منطقه" "خاک سفید" حواد یه" تهران پارس بنا بعهد اصر بوسیله" پاسد ار ان به گلوله بسته شد ه بود، د ر بیمارستان د رگذ شت. رژیم ضد خلق کنونی زحمت ـ کشان وطن ما را که خواهان سرپناهی برای خود هستند به گلوله می بند د و بعد هم رکلا می نویسی د رم از دفاع از آنان می زند. د روغگوئی یکی دیگر از خصائل سرمایه د اران است.

پارس آباد مغان ـ قد رنشد ان کیونی برای فرماند ار مرد م حتی یک قد م هم پیشرفت ند ارند. اخیراً سر تحصیلات متوسطه د فرار نشد ه است که بیمارستان و مخابرات پارس آباد را، که حد ود ۷۰ هزار نفر جمعیت د ارد، به شهرک غرب گذ شت و صنعت "فکمر حد ود ۲۰۰ نفر جمعیت د ارد، منتقل نمایند.

د راطراف به این فعل ۴۰ هزار نفر از اهالی پارس ـ آباد مغان در روز ۲۸ مهرماه به راهپیمائی دنظا هرات اقد ا نمود ند و خواستار برکناری ملاکین هم بر گرد بهد اری و بهزیستی و ایجاد کار برای بیکاران شد ند.

گرگان ـ رژیم کیونی به دلیل ماهیت ضد خلقی خود قاد ر به مبارزه با فساد نخواهد بود.

چند ی پیش شیخ علی صعد ی با سمت حد ید ی د ر اد اره" اوقاف شهر گرگان بقیه در صفحه" ۷

شوراهای روستائی ● ● محکوم است ● ●

پس از به خاک سپرد ن بیش از یک شهاد ای دهکرانیک بوسیله" رژیم ائتلافی، که حاصل سازش بورژوازی لیبرال و خرد ه بورژوازی است با سرمایه د اران، د لال وابسته به امپریالیسم بود، پس از تصویب قانون ولایت فقیه، که د رواقع شکل قانونی بخشید ن به سه رسمیت شناختن اعمال د یکتاتوری توده ای خلق است، برا فرختا رها یتوده ای، مبنی بر خواست تشکیل شوراها، د ولت ضد خلقی بازگا ند ست به بقاها تو وقف شنیدن سیاسی زد. و دلیلی که مخالف رسمیت بر سمیت شناختن بقیه در صفحه" ۸

شوراها توسیس ارگان مبارزه" انقلابی توده ای واقعا ما ت سیاسی توده ای، ارگانی هستند که میتوانند اقتد ار عظیم سرمایه" مالی و صنایع سیاسی آنرا در هم بشکنند. . . . شوراها تشکیلات بلاواسطه" خود توده ها یعنی د مکراسی ترین و لد امعتبرترین تشکیلات توده هستند. که شرکت توده را در رسا ـ خش د ر و لت حد ید یاد اره کرد ن آن بی نهایت آسان کرد ه و ارزش انقلابی و نیروی استکرا و استعد اد خلاقه" توده را د ر مبارزه برای خرب رژیم قد یم و تأسیس سنای نا زه" پرولتاریائی بالاترین و حیاتی آنگا ر می سازد."

استالین ـ مسائل لنینیسم

حزب توده و سازمان انقلابی

یک روح در دو کالبد (۲)

نسبت سال امپریالیسم روس برای آنکه از انقلابات خلقهای جهان جلوگیری نماید و "تزار تجاوزی" که از سالها ـ آمیز" را موظفه کرد ه و مبارزات پارتیزانی را به جای انقلاب می نشاند. و با ارائه" "تز" را هزنه غیر سرمایه د اری" اد عائی کند که گویا با پیشرفت نیروهای مولد ه (کارگران ـ وسائل تولید) حرکات اجتماعی به طور ما لمتد سیاسی سوسیالیسم حتمی گردند. و بسیار تزهای بر تحلا" که برگه د ر این معامله با آن نمی پرد ازیم. حزب "توده" مرتد نیز مد ت سال این تزها را وان گذشته و را هم بنحیاست که زمانی از رژیم فاشیستی شاه د فاع کرد ه و به حرکات انقلابی خلقها لحن تحریر آمیز اگهی می کند. از سوی د یگر تئوری ضد انقلابی "سه جهان" از طرف حزب با صطلاح کمونیست چین اشتا ری پا ند که د ر پی اتحاد با امپریالیستهای غربی و رقابت با اردوگاه سوسیال امپریالیستی روس، که امپریالیستهای غربی را نیز آزار و اذیت ضعیف و حتی ایجاد آشفتگی در جامعه آنها می آفریند و فقط از قدرت روس را قرار نگرفتن اگر زور غیره مساعد تاید بن وسیله از طرف طبقاتی خلقهای جهان بر علیه امپریالیستها فی حینا الجموع کاسته و از مبارزات رهائیبخش ما تحت عمل آورد. به سال ارائه" این تزار تجاوزی نیز سازمان "انقلابی" طرف ار روپا قرص آن نشد.

حزب "توده" و سازمان" انقلابی" "برای آنکه منافع ارتجاع روسی و جهانی ـ آمریکائی خود را برآورد ه نماید د ست به هرگونه مغلطه کاری میزنند. برای آنکه د ر ستگاه حاکمه" جد ید برنامه" ارتجاعی خود را پیاد ه نماید، د ر تعریف و تمجید از این د ستگاه ضد خلقی، گوی سبقت را از یکد یگر برد ه، و منافع آنی و آتی خلود را زیر پا لگد مال می کنند. د ر زیر ما نمونه هائی از زبر خود آنها به مسائل مشخص جاری اجتماع خود می آوریم که خواند ه خود به قضاوت بنشیند.

زیا ستگاه روزنامه های مترقی مورد یورش ارتجاع قرار گرفت، که این خود بر آگاهی توده ها نسبت به عملیات جنا ـ یتکارانه" بعد ی بود، کمونیستها و انقلابیون را تشیع خلق با سایه های، یکپارچه و وا شیم را که در حال گسترش بود به خلق هشد ار د اد ند. د ر این میان "رنجبران" و "مرد م ما" با زیرکیکوی همه اند ه وجنین از د ستی نمی د هند: "این توده های خلق بود ند که جون "آیند گان" را از تریبونهای بر علیه انقلاب خود د ید ند نیاخاستند و آنرا طرد کرد ند، نه اینکه برزم بهشیوه" بعد ی و فی البدیل با اعمال د یکتا ـ توری خواهند از انشتار آن بد ر آورند. . . . فریاد های مرد م روشن "اختناق"، بقیه در صفحه" ۹

پیش درجهت ایجاد حزب کمونیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org